

پیام سندیکا

پیام سندیکا

پیام آور سندیکاهای کارگری ایران

حاصل اتحاد تاریخی کارگران سندیکایی در راستای شکل و آگاهی برای کارگران

شماره ۵۲ / سال ششم / آبان ۱۳۹۵ / نشریه سندیکاهای کارگری ایران

ضرورت مبارزه متحد با لایحه نابودی قانون کار



ششمین سال انتشار پیام سندیکا بر کوشندگان کارگری ایران خجسته باد!



سندیکای کارگران
نقاش و تزئینات
تاسیس: ۱۳۴۸



اتحادیه
نیروی کار
پروژه‌های



پیام سندیکا، آبان ماه ۹۵، شماره ۵۲

در این شماره می خوانید:

اطلاعیه های سندیکاهای کارگری ص ۱

گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور ص ۱۳

آقای روحانی دست شما درد نکند! ص ۵۴

مصاحبه های کوشندگان کارگری با ایلنا ص ۵۶

مشکلات کارگران شیفت کار ص ۶۲

ارج نابود می شود، دلالت آباد می شود! ص ۶۴

جزئیات طرح لایحه اصلاح قانون کار ص ۶۶

ترویسیم، زاییده فقر است! ص ۶۹

تجمع کارگران مقابل مجلس ص ۷۱

ساعات رفت و آمد روزانه کارگران... ص ۷۲

شورای شهر شریک دزد و رفیق قافله ص ۷۳

آنچه بر تاکسیرانی تهران گذشته و می گذرد! ص ۷۴

سخنی با والدین در شروع سال تحصیلی جدید ص ۷۶

این دیگر چه رفتاری است!!!! ص ۷۷

از رهبران سندیکایی پیاموزیم! ص ۷۸

تابستان «سعید» چگونه گذشت؟ ص ۸۱

دولت آلمان و برابری دستمزد زنان و مردان ص ۸۳

وقتی مدیر یک NGO را از مجلس بیرون کردند! ص ۸۶

قاجاق زنان، دومین تجارت سازمان یافته ص ۸۸

پیام سندیکا

ماهنامه خبری تحلیلی کارگری

نشریه درونی سندیکاهای کارگری

ایران کاری از کارگران سندیکایی

ایران، بر اساس منشور جهانی

سندیکاهای کارگری در راستای

تشکل و آگاهی برای کارگران، از مهر

۱۳۹۰/ چاپ تهران

(چاپی و الکترونیکی)

سندیکای کارگران فلز کارمکانیک

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی

سندیکای کارگران نقاش و تزئینات

سندیکای کارگران بنا

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

اتحادیه نیروی کار پروژه‌ای

<http://vahedsyndica.com>

vsyndica@gmail.com

s_felezkar@yahoo.com

gmail.com@sfelezkar1961

www.sfelezkar.com

irunionmessenger@gmail.com

حمله به زحمتکشان ایران از هر سو

اعلام حکم شش سال حبس برای اسماعیل عبدی دبیرکل کانون صنفی معلمان ایران و در پی آن اعلام ۱۱ سال حبس برای هریک از برادران ما، جعفر عظیمزاده و شاپور احسانی‌راد از اعضای شورای مرکزی اتحادیه آزاد کارگران ایران نشان از چیست؟ آن هم در شرایطی که روز سه‌شنبه بررسی نابودی قانون کار در مجلس آغاز خواهد شد. دولت و قوه قضاییه چه پیامی را برای زحمتکشان با این احکام می‌خواهند القا بکنند؟

همه اعضای دولت‌ها، وزیران کار و ارکان وزارت اطلاعات می‌دانند که بیش از ۱۱ سال است سندیکاهای کارگری فعالیت خود را آغاز کرده‌اند و با تمامی سنگ‌اندازی‌ها، دستگیری‌ها، زندانی نمودن کوشندگان کارگری و حتا مرگ آنها، ما دست از فعالیت برنداشته و همچنان استوار در پیگیری حقوق کارگری خود پایدار هستیم.

بارها با کارمندان وزارت اطلاعات، مسولین وزارت کار و حتا در نامه‌نگاری با روسای جمهور اعلام کرده‌ایم که بر طبق اصل ۲۶ قانون اساسی و جمله معروف «... هیچکس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد و یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت» می‌خواهیم فعالیت کارگری داشته و هیچکس هم حق جلوگیری از این کوشش‌ها را ندارد.

ما می‌دانیم که در پی این حرکات چه نهفته است. اگر امروز قانون کار را نابود می‌کنند کار پایه‌ای برای دستبرد به حقوق ملت در قانون اساسی است. چرا مسولین و مدیران جامعه قانون اساسی را غیرقانونی اعلام نمی‌کنند تا هم خیال خودشان راحت شود و هم ما تکلیف خود را بدانیم؟

ده سال حکم برای فعالیتی که همه اجزای دولت‌ها از آن باخبرند چه معنی و مفهومی دارد؟ آیا صدور این احکام جز اعلام ناتوانی در برابر اراده

زحمتکشان و کوشندگانیش نیست؟ نابودی قانون کار جز پشت کردن به مردم و تسلیم در برابر فرامین صندوق بین‌المللی پول چه معنای دیگری دارد؟ بر مسوولین چه رفته است که بر شعارهای اول انقلاب این چنین پشت می‌کنند؟

دولت با ارایه لایحه نابودی قانون کار اعلام کرده است که اصول ۳، ۲۶، ۲۷، ۲۹، ۴۳ و ۶۷ را قبول ندارد.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ضمن اعتراض به احکام صادره و پشتیبانی از فعالیت های کارگری، همچنان خود را متحد کانون صنفی معلمان ایران و اتحادیه آزاد کارگران ایران دانسته و از هیچ کمکی به این دوستان دریغ نخواهد کرد و این احکام را مغایر با اصول قانون اساسی و مقوله نامه‌های بین‌المللی و منشور جهانی سندیکاها می‌داند.

سرمایه‌داری نمی‌تواند با احکام سنگین زندان و تکه پاره کردن قانون کار ما را از فعالیت های بر حق خود باز دارد. پیشنهاد دهندگان لایحه نابودی قانون کار می‌خواهند با زیر پا نهادن حقوق ملت، مندرج در قانون اساسی، زحمتکشان را از مبارزات خود دلسرد کنند.

ما هشدار می‌دهیم که این لایحه خط قرمز همه زحمتکشان ایران بوده و بی‌تردید با پاسخ سخت زحمتکشان روبرو خواهد شد.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک

۲۶ مهر ۱۳۹۵

کارگران و قانون زدایی

Kmkoomk.wordpress.com

دولت های پس از جنگ که بدون استثنای مناسبات اقتصادی صندوق بین المللی پول رادر ایران کاربردی می کنند به بهانه برداشتن موانع سرمایه گذاری به حذف تدریجی قانون کار مبادرت کرده اند. این تنها آغاز قانون زدایی است چون حذف قانون کار یعنی حذف عملی اصول ۴۴ و ۴۳ قانون اساسی کشور. فعالان کارگری و سندیکاها و اتحادیه های مستقل کارگری ایران سالها است که این مناسبات و این دولتهای سرسپرده تعدیل ساختاری و خصوصی سازی را به قیمت سنگین زندان و شلاق و گرسنگی ناشی از بیکاری و فقر به چالش گرفته اندولی امروز شاهد پیوستن شوراهای اسلامی کار (سازمانهای صنفی که با اجازه دولت فعال هستند) به این مبارزه می باشیم. نمایندگان این شوراها که به دلیل اجبار حفظ موقعیت شغلی خود مجبور به دنباله روی از سیاست های دولت و تشکیلات مرکزی خانه کارگر بودند، امروز برخی از این کارگران و فعالین شان به درک و شناخت این واقعیت رسیده اند که در روند موجود بازگشتی به قانون اساسی وجود ندارد و هدف همه این دولت ها چیزی جز در هم کوبیدن حداقل های زندگی کارگران برای سود بیشتر مشتی دلال که انگل گونه از نتیجه کار و رنج کارگران روزگار می گذرانند، وجود ندارد.

ایلنا ۹ مهر ماه ۹۵: « جمعی از تشکل های کارگری شهرستان ری با صدور نامه ای خطاب به وزیر کار و نمایندگان مجلس خواستار دفاع از قانون کار شدند.» این دوستان متوجه این واقعیت نشده اند که وزیر کار خود و ریاست جمهورش اعلام کرده اند با همه توان تعدیل ساختاری و خصوصی سازی را کاربردی می کنند یا در حقیقت از مجری قانون زدایی چنین تقاضایی نموده اند!!

ایلنا ۹ مهرماه ۹۵: «مخالفت شوراهای اسلامی کار شهر ری با اصلاح قانون کار.» ایلنا ۹ مهرماه ۹۵: «تجمع کارگران قرارداد موقت بندر امام خمینی در اعتراض به شرایط مزدی . . . بامداد امروز کارگران قرارداد موقت بندر امام خمینی به همراه خانواده هایشان در اعتراض به شرایط نامناسب مزدی مقابل فرمانداری این شهر دست به تجمع زدند.»

شوکت درمانی که دولت قبلی نتوانست عملی کند به وسیله دولت فعلی کاربردی شده است. گویی تنها روحانیون به ریاست جمهوری رسیده توانایی گام برداشتن در راه سرمایه داری دلالی (مالی) را دارند چون اولین روحانی پس از جنگ رفسنجانی تعدیل ساختاری و خصوصی سازی را به جای اصول اقتصادی قانون اساسی کشور قرار داد. و با ایجاد مقررات مناطق آزاد تجاری - صنعتی همه کارگران صنایع بزرگ ایران را از شمول قانون کار خارج کرد. روحانی بعدی خاتمی "اصلاح طلب" بود، که علاوه بر ادامه این راه ضد کارگری - انسانی و برخلاف قانون اساسی کشور اصلاحات را برای کارگران تعریف کرد البته بدین گونه که همه کارگاه های زیر ده نفر را از شمول قانون کار خارج نمودند و اینک روحانی سوم؛ با اصلاحیه قانون کار به کلی آن حداقل های ناچیزی را که از حقوق کارگران و حقوق بگیران دفاع می کرد، به چالش گرفته است. اتحادیه نیروی کار پروژه ای ایران بدین وسیله اعلام میدارد این دولت ها زیر پرچم دین با قانون زدایی حقوقی را که قانون اساسی برای مردم و کارگران ایران تایید کرده بود، نفی می کنند.

لذا از جامعه روحانیت می پرسیم آیا مناسبات موجود که به نام خصوصی سازی همه کارخانه های تولیدی و خصوصی را یا ورشکسته کرده و یا باعث گردیده این کارخانه ها با حداقل ظرفیت تولید و کار کنند آنهم پس از مدت زمان ۲۸ سال تجربه تعدیل ساختاری و خصوصی سازی که برآیندش بیکاری و گرانی و فقر و اعتیاد و تن فروشی را در کشور همه گیر و رواج داده است تایید می کنید؟ آن هم این مناسبات ویرانگر که آن چنان تنفیری در مردم ایجاد

کرده که جوانانش در جستجوی راهی برای فرار از این کشورند و میان سالانتش دین گریز شده اند، یا به سوی درویش می روند و یا مذاهب دیگر را بر این مذهب دولتی که در لباس و زیر پرچم آن تنها منافع یک اقلیت یک درصدی را که بدون کار و تولید و تنها با واسطه گری شیره ملت را در شیشه کرده اند، پاس می دارند ترجیح می دهند؛ پذیرفته اید؟ پس چرا این روند ضد مردمی که قانون اساسی کشور را دور می زند به چالش نمی گیرید؟! آیا فردای تاریخ پاسخ گو خواهید بود؟ یا مجدداً به این استدلال تکراری پناه می برید که، این جماعت مذهب راستین را نتوانسته اند پیاده کنند. این سکوت شما تا به امروز روند فاجعه اجتماعی را بحرانی تر کرده است. در هر صورت اتحادیه نیروی کارپروژه ای ایران از این اعتراض های کارگران بندر امام و خانواده هایشان پشتیبانی می کند و باور دارد که همه فعالان کارگری و سندیکاها و اتحادیه های مستقل کارگران ایران همان گونه که تا به امروز با جان و زنگیشان در این راه کوتاه نیامده اند، این بار هم از هر راهی که می توانند اعتراضات خود را به گوش مردم و حاکمیت می رسانند و از حرکت اعتراضی کارگران بندر امام که با خانواده هایشان جلوی فرمانداری رفته اند حمایت می کنند. تداوم این روند، روندی که دولتهای پس از جنگ پیش گرفته اند به مرور و در نهایت همه ی ملت را رو در روی این دولتهای سرسپرده ی سرمایه داری دلالی (مالی) قرار خواهد داد و ایران را به سوی ویرانی و تجزیه خواهد کشید.

اتحادیه نیروی کار پروژه ای ایران

سخنگو ناصر آقاجری

۱۰ مهرماه ۱۳۹۵

بیانیه سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه به مناسبت فرا رسیدن سال تحصیلی جدید

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه آغاز سال تحصیلی جدید را به کلیه دانش آموزان، خانواده های کارگری و معلمان تبریک گفته و سالی سرشار از موفقیت و سرافرازی را برای کلیه دانش آموزان و دانشجویان سراسر کشور آرزومند است.

رانندگان و کارگران شرکت واحد تهران و حومه و کلیه کارگران حمل و نقل شهری در سراسر کشور بخشی از مجموعه وسیع خدمات رسانی به محصلین و خانواده های آنان هستند. برای ما همچون معلمان و مجموعه کارکنان بخش آموزش و پرورش خدمت به کودکان، نوجوانان و جوانان کشور افتخار و تعهد بزرگی است که لحظه ای از آن کوتاهی ننموده ایم. اما متأسفانه شاهد بوده ایم که مسئولین دولتی نه تنها ارزشی برای ما کارگران و حق و حقوقمان قائل نبوده اند بلکه حتی در ناحقی و ظلم نسبت به آموزگاران کشور نیز کوتاهی نکرده اند. بسیاری از معلمان با مشکل دستمزدهای ناچیز و ناامنی شغلی دست به گریبان هستند و هر گاه نمایندگان آنها تلاش کرده اند که نسبت به دریافت حقوق اولیه خود کوشا باشند مورد غضب حاکمیت قرار گرفته و بازداشت و زندانی شده اند. اذیت و آزار نمایندگان معلمان و بطور مشخص فعالین کانون صنفی معلمان ایران در سالهای اخیر به اوج خود رسیده است. در عین حال پرونده سازی و سرکوب بخشهای مختلف کارگری از جمله نمایندگان سندیکای کارگران شرکت واحد بی وقفه در سالیان اخیر ادامه داشته است. این در حالیست که وضعیت مدارس کشور، واپسگرایی و سیاستهای خصوصی سازی در نظام آموزشی بطور فزاینده ای گسترش پیدا کرده و تبدیل به یک بحران لاینحل در نقاط مختلف کشور شده است. در عین حال، هر ساله دهها هزار کودک بدلیل این سیاستهای مخرب و فقر و فلاکت و نابسامانی خانواده هایشان از مدارس بیرون رانده شده اند، به نحوی که بنا بر

آمار رسمی تعداد کودکان کار و بازمانده از تحصیل در ایران بیش از سه میلیون نفر است.

تصور نکنید که در ایران امکانات مالی و مادی وجود ندارد! این کشور آنقدر ثروت دارد که بتواند کلیه کودکان کار را به مدارس بازگرداند، والدین آنها را با دستمزدهای مناسب به اشتغال درآورد و یا مشمول بیمه بیکاری نماید، به معلمان دستمزدهای شایسته پرداخت نماید و امنیت شغلی را برای کلیه کارگران و معلمان و پرستاران و زحمتکشان کشور تامین کند. اما سرمایه داران و اختلاس گران و چپاول و غارت اموال عمومی توسط آنها و حامیان دولتی شان اجازه نمی دهد کارگران و خانواده های کارگری از چنین امکانات ابتدایی و حق و حقوق اولیه ای برخوردار گردند.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه ضمن تبریک مجدد به مناسبت فرا رسیدن سال تحصیلی خواهان برخورداری تمام کودکان کشور از آموزش و پرورش رایگان و با کیفیت برابر بوده و تاکید می کند که نه تنها کار کودکان باید ملغی گردد بلکه وضعیت معیشتی آنها و خانواده هایشان می بایست در الویت جامعه و در راس برنامه های دولتی قرار گیرد. سندیکای کارگران شرکت واحد همچنین خواهان توقف ادیت و آزار و تعقیب و بازداشت کارگران و معلمان می باشد. تشکل یابی مستقل و تامین معیشت با استانداردهای رفاهی شناخته شده بین المللی برای کارگران، معلمان و پرستاران کشور حق مسلم ما می باشد و باید به رسمیت شناخته شود. ما همچنین ضمن تبریک روز تکریم بازنشستگان در ۶ مهرماه، خواهان بهبود وضعیت معلمان و کارگران بازنشسته کشور هستیم.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

۱ مهر ۱۳۹۵

از خواسته های فرزندانمان حمایت می کنیم!

پس از بازگشایی دانشگاهها در سال تحصیلی جدید، شاهد اعتراض فرزندان دانشجوییمان در دانشگاههای امیرکبیر، صنعتی شریف تهران، همدان به افزایش هزینه های تحصیلی در دانشگاهها هستیم.

واگذاری خوابگاهها، انتشارات، و تغذیه به بخش خصوصی و افزایش هزینه های هر ترم و کاهش هر ساله ظرفیت دانشجویان دولتی به ۷ درصد قبول شدگان و پولی شدن آموزش عالی اعتراض دانشجویان را در پی داشته است.

با حاکم شدن نگاه سودجویانه سرمایه داری به هر موضوع اجتماعی به خصوص آموزش، بازماندن هرچه بیشتر فرزندانمان را چه در سطح ابتدایی و متوسطه و چه در سطح عالی شاهد هستیم. این سیاست ها که ناشی از دستورات صندوق بین المللی پول و اجرای بی کم و کاست نئولیبرالیسم در همه عرصه های اجتماعی است باعث گردیده است تا در بند ۱۶ سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی این چنین به مدیران راهکار دهند: «صرفه جویی در هزینه های عمومی کشور با تاکید بر تحول اساسی در ساختارها، منطقی سازی، اندازه های دولت و حذف دستگاههای موازی و غیر ضرور و زاید»

این صرفه جویی از آموزش و بخش سلامت و دستمزدها با گران کردن کالاها آغاز گردیده است. این چگونه منطقی سازی است که آموزش باید طبقاتی شده و مختص لایه های ثروتمند گردد؟

متأسفانه سالیانست در کشورمان قانون اساسی به کناری پرتاب شده و بندها، دستورالعمل ها، بخش نامه ها جای آن را گرفته اند. اصل ۳۰ قانون اساسی به صراحت به مدیران و سیاست گذاران حکم کرده است که: « دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره

متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور بطور رایگان گسترش دهد.» این چرخش ۱۸۰ درجه ای به چه منظور است؟

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ضمن درخواست اجرایی شدن اصل ۳۰ قانون اساسی از خواسته های فرزندان دانشجو مبنی بر:

۱- عدم هرگونه افزایش هزینه اسکان و تغذیه در سال تحصیلی جدید

۲- علنی شدن قوانین و آیین نامه های مصوب موجود در برابر دانشجویان

۳- برگزاری جلسه میان وزیر و نمایندگان دانشجویان

را حمایت کرده و خواستار اجرایی شدنش هستیم.

فرزندان دانشجو؛

سیاست های سرمایه داری خواهان برده هایی آرام و سر به زیر است. آنان نه تنها نان، بلکه شعور ما را نیز می خواهند از ما بربایند. به میثاق ۱۶ آذر وفادار بمانید و اتحاد، مبارزه، پیروزی را سرلوحه تلاش های خود کنید. ما نیز با شما هم صدا و هم آوا هستیم. خواست شما خواست ماست.

طبقه کارگر زمانی به خود خواهد بالید که هدف خود را، از کارکردن و کسب درآمد و نتیجه کار خود را، در آثار ماندگار خود(فرزندان طبقه کارگر، عالیترین فرزندان خود که همانا دانشمندان تمامی علوم میباشند)متجلی کرده وبه معنای واقعی کلمه کارساده تولید شده طبقه کارگر تبدیل به کاری در عالیترین درجه باشد.

جنبش کارگری متحد جنبش دانشجویی

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ۸ مهر ۱۳۹۵

نامه سندیکاهای فرانسوی به رهبر جمهوری اسلامی در رابطه با سرکوب سندیکالیست ها و فعالین کارگری در ایران!



نامه سندیکاهای فرانسه خطاب به آقای خامنه ای

آیت‌اله سید علی خامنه ای رهبر جمهوری اسلامی ایران

دفتر رهبری تهران، ایران

سازمان های سندیکایی فرانسوی س اف د ت، س ژ ت، اف اس او، سولیدر، او ان اس آ، توجه شما را نسبت به وضعیت اسفناک کارگران در ایران جلب می کند.

اخیراً تعدادی از سندیکالیست ها و فعالان جنبش کارگری به زندان های طویل المدت محکوم شده اند. از جمله ابراهیم مددی، داود رضوی، رضا شهابی، هر سه از اعضای هیات مدیره سندیکای شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه. داود رضوی به پنج سال و ابراهیم مددی به پنج سال و سه ماه زندان محکوم شده اند. رضا شهابی، پس از پایان محکومیت شش ساله اش، بار دیگر به یک سال زندان محکوم می شود. همگی به اتهام ” فعالیت علیه امنیت ملی. ” فهرست اسامی فعالان سندیکائی که از آغاز سال ۲۰۱۶ محکوم شده اند، مرتباً طولانی تر می شود: علی امیرقلی (محکوم به ۲۱ سال زندان)، آرش صادقی (۱۹ سال)، محمود صالحی (۹ سال)، گلرخ ابراهیمی (۶ سال)، جعفر عظیم زاده (۶ سال)، بهمن موسوند (یک سال)، نوید کامران (۱ سال)، عثمان اسماعیلی (۱ سال). جمهوری اسلامی ایران نشان داده که تعهدات خود در چارچوب توافق نامه های بین المللی سازمان جهانی کار، که حق کارگران

ایران را در ایجاد تشکلات مستقل به رسمیت می شناسد، را مراعات نمی کند. ما، سندیکاهای فرانسه، امضا کنندگان این اطلاعیه لغو محکومیت های غیر عادلانه که مغایر با آزادی ها و حقوق اساسی بوده و نیز آزادی فوری و بی قید و شرط همه فعالان دربند که به خاطر فعالیت های سندیکائی و دفاع از حقوق به حق مزدبگیران زندانی شده اند، را خواستاریم.

CFDT : preau@cfdt.fr

CGT : n.ferouse@cgt.fr

FSU : michelle.olivier@snuipp.fr

Solidaires : contact@solidaires.org

UNSA : emilie.trigo@unsa.org

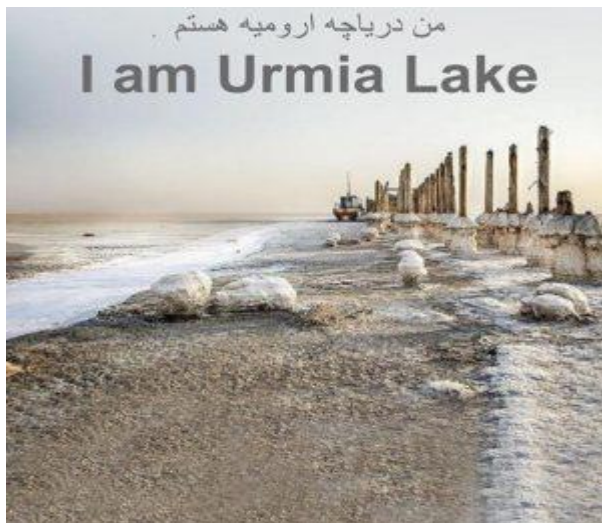
رونوشت به:

آقای حسن روحانی، رئیس جمهور

آقای صادق لایجانی، رئیس قوه قضائیه

سفیر ایران در پاریس

پاریس ۲۹ سپتامبر ۲۰۱۶



سندیکای کارگران فلزکارمکانیک به کمپین « من دریاچه ارومیه هستم » پیوست.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک در راستای حفظ محیط زیست از دستبرد سرمایه سالاران و داشتن اکوسیستمی پاک و زنده و متنوع و به کمپین احیای این چرخه حیاتی پیوست. از همه هواداران و اعضای سندیکا می خواهیم در این کمپین بصورت پویا و فعال شرکت کنند. اگر يك میلیون امضا جمع شود سازمان ملل تمام توان خود را برای احیای دریاچه ی ارومیه بکار خواهد گرفت. هر چند می دانیم با آمدن زحمتکشان این کمپین از مرز میلیون ها امضا خواهد گذشت.

دوستداران می توانند با ارسال عدد ۱ به ۳۰۰۰۷۰۴۰ کمپین را امضا کنند.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

۹۵/۷/۷

گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور



گزارش خبرنگار پیام سندیکا از تلاش کارگران و متخصصان ذوب آهن



شرکت سهامی ذوب آهن اصفهان

الف) کارگران و متخصصان سختکوش توانستند رکورد جدیدی در ریخته گری شماره ۵ به ثبت برسانند. این زحمتکشان توانستند با تعداد ذوب متوالی و به صورت شش شاخه و با سرعت ریخته گری $1/6$ متر بر دقیقه در زمان کل ۱۱ ساعت به رکورد جدیدی دست پیدا کنند. این رکورد که با نظارت بر روی کابل کشی ها و نصب تجهیزات تادیش گرمکن و تادیش خشک کن انجام پذیر گشت.

راه اندازی تعدادی از تجهیزات و مکانیزم ها بدون حضور کارشناسان خارجی صورت گرفت و منجر به نصب دوربین های مدار بسته ، تجهیزات مخابراتی، کنترل سطح فولاد مذاب و سیستم توزین از جمله موارد این تلاشگران بوده است

کارگران چشم انتظار واکنش مدیریت به این تلاش های بی وقفه در جهت کمتر کردن هزینه های شرکت و خودکفایی در این امور هستند.

ب) مشکلات کارگران ذوب آهن:

۱- متاسفانه وام مسکن شرایطش سخت تر شده و به صورت امتیازبندی درآمده است.

۲- به دلیل عدم رسیدگی درست به استخر و جکوزی باشگاه ابوزر و کوثر فولاد آب استخرها تغییر رنگ داده است و فکری برایش نشده است.

۳- با نگاه درآمدزایی مدیران به ویلاهای چادگان و انزلی متاسفانه رزرو برای کارگران و کارکنان ذوب آهن مقدور نیست چرا که همیشه تورها در اولویت نسبت به کارکنان و کارگران قرار دارند.

۴- مدتی است انبار شمش های تولیدی به دلیل عدم گنجایش این همه شمش فولاد به محل خطرناکی تبدیل شده است. امیدواریم رسیدگی شود قبل از اینکه حادثه ای رخ دهد.

۵- با تلاش کارگران و کارکنان متخصص و سخت کوش ذوب آهن در تولید ریل ملی، مدیریت برای ارج گذاشتن به این تلاش چه خواهد کرد؟

۶- چرا پرداخت وام ازدواج همچنان با کندی صورت می گیرد.

۷- مدتی است برای وام از بانک ملی دیگر معرفی نامه نمی دهند

۸- زمان پرداخت هزینه درمان کارگران و کارکنان توسط بیمه ایران بسیار طولانی شده است

۹- آب سردکن های ایستگاه شماره ۳ ریخته گری فولاد مدتی است خراب شده و توسط مدیریت بخش پیگیری و رسیدگی نمی شود

۱۰- هزینه های درمان ناباروری باید با مراجعه بصورت فیزیکی صورت بگیرد. آیا نمی دانند برای ما مشکل است و زمان بر.

۱۱- بحث سختی کار یا همان سنوات که قرار بوده به کارگران و کارکنان تعلق بگیرد ، مدتی است دیگر خبری نیست چرا؟

۱۲- بیمه تکمیلی درمان ، پدران و مادران کارگران را نیز تحت پوشش قرار دهد.

۱۳- چرا تعداد ایمپلنت دندان برای خانواده کاهش یافته است؟ و بر اساس قرارداد بیمه تکمیل درمان صورت نمی گیرد؟

۱۴- غذا دادن در رستوران باید به نحوی باشد که هر روز تا آخر وقت همان روز غذا موجود باشد.

۱۵- چرا واکسن آنفلوانزا زیر پوشش بیمه تکمیل درمان نیست؟ متأسفانه مدیریت بیمه و اموال شرکت که باید حافظ منافع کارگران باشد در نهایت تعجب اعلام کرده که چون مریضی آنفلوانزا و واکسن آن از عوامل پیشگیری هستند و نقش درمان را ندارد از شامل تعهدات بیمه ای نمی شود. آیا این استدلال درست است؟ در حالی که زدن واکس باعث کمتر بیمار شدن کارگران شده و کمتر به مرخصی استعلاجی خواهند رفت. به نظر مدیران شرکت مریض شدن کارگران و نیامدن به سرکار منافع شرکت را تامین می کند یا زدن واکسن؟

۱۶- چرا قوانین و مقررات عمومی حاکم بر شرکت برای کارکنان و کارگران اطلاع رسانی نمی شود؟

۱۷- کارگران قرارداد معین بعد از تبدیل وضعیت متأسفانه مدارک تحصیلی و تجربه کاری آنها محاسبه نشده و گروه شغلی پایینی دارند

۱۸- اضافه کار کارگران شیفت در برخی موارد که دیگر همکاران در مرخصی هستند اعمال نمی شود و این اجحاف بزرگی در حق ماست

۱۹- شرکت از کمبود منابع مالی می گوید ولی از حیث و میل منابع مالی هیچ نمی گوید. از جمله می توان به قطره ای نشدن آبیاری فضای سبز قسمت های کارخانه گفت. مصرف کاغذ و کپی کارخانه در نتیجه کاغذ بازی اداری زیاد است و می توان صرفه جویی کرد با کامپیوتری کردن کارهای اداری.

۲۰- برای جلوگیری از هدر رفتن منابع شرکت لطفا برنامه ای برای تفکیک زباله خشک و تر و بازیافت آن ارائه کنید.

۲۱- لامپ های اضافی در اتاق مدیران در روز روشن است چرا؟

۲۲- مقدار زیادی کک یا سایر مواد اولیه به خاطر آب بند نبودن کامیون های حمل در داخل شرکت ریخته می شود. چرا مسوولین به فکر چاره نیستند؟

ج) گزارشی از خلاقیت کارگران ذوب آهن:

پس از راه اندازی کوره بلند شماره ۳ در تابستان ۸۸ و انجام گراف های تعمیراتی و تعویض قطعات و تجهیزات سیستم بارگیری و عدم پشتیبانی و تامین تجهیزات از سوی شرکت سازنده، با خلاقیت کارگران مکانیک ذوب آهن در بخش کوره بلند با کاهش زمان تعویض شوت تغذیه کننده سیستم از ۱۸ ساعت به ۱۲ ساعت و سپس ۶ ساعت و تعویض دريچه های MCG و ISV و بومی سازی آن بدون حضور کارشناسان خارجی این تعمیرات به نحو احسن و با زمان کمتری انجام پذیرفت.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک از مدیریت نوب آهن انتظار دارد همانطوری که کارگران خلاقیت و توان خود را به کار می گیرند تا با صرفه جویی در منابع مالی و زمان بری تعمیرات به نفع شرکت قدم بردارند مدیریت هم باید در مورد پاداش و افزایش دستمزد این کارگران و سایر کارگران تلاش کند.

انگیزه و خلاقیت در مسیر تامین نیازهای مادی و روحی کارگران از جمله افزایش دستمزدها و رسمی نمودن کارگران صورت خواهد گرفت.

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از عسلویه:



درود بر تمام کارگران پرشور سرزمینم... همانطور که میدانیم و همیشه می بینیم پیمانکاران و دلالان کار بر طبق قانون زدایی دولتهای پس از جنگ که سیستم خصوصی سازی را همچنان علم خود کرده اند، آزاد و مختار هستند که همه گونه برخورد غیر انسانی و حقوقی را با کارگران دارا باشند و این واقعیتی غیر قابل انکار می باشد و بر هیچ کسی پوشیده نیست... همانطور که میدانید مناطق محروم پروژه ای که بایستی طبق قانون کار از شرایط و مزایای سختی کار بهره مند باشند به عنوان منطقه آزاد تجاری محسوب می شوند و باز هم

قانون گریزی در این مورد به چشم میخورد. منطقه آزاد تجاری پارس جنوبی عسلویه که نهایت به بردگی کشانیدن کارگران توسط سرمایه داران می باشد همیشه جولانگاه چنین سیستم چپاولگرانه است.

در ابتدا وضعیت حقوقی کارگران را در قبال ۲۴۰ ساعت کاری مشخص نمی کنند و به نوعی از جواب دادن طفره می روند و اگر کارگری یا کارگران برای تعیین وضعیت حقوقی پافشاری کنند به انواع مختلف آن فرد یا افراد را اخراج می نمایند. این انسانهای دغلكار و بی مایه به انواع مختلف کارگران را فریب می دهند و کمترین نرخ حقوقی را برای آنان مشخص می نمایند. در اینصورت کارگر یا باید بماند و در برابر اینهمه ستم بردباری نماید یا باید به زور بجنگد تا حقوقش را با توسل به زور و خاموش کردن ژنراتور و درگیری بستاند و بار دیگر به دنبال کار بگردد... چنین نمونه هایی را بنده خودم در طول ۱۵ سال کارگری در مناطق پروژه ایران شاهد بوده و هستم و خودم هم درگیر چنین مسائل حقوقی بودم و برای طلب حقوق کارگری فقط جسارت و هماهنگی کارگران لازمه کار است. که در بیشتر موارد کارساز بوده است و پیمانکاران از کارگران باجسارت، نهایت حساب را می برند و بایستی اینگونه افراد مواظب باشند که در دام سرمایه داری نیفتند.... شرکت پیمانکاری شریان گستر پاریاب که در پتروشیمی بوشهر عسلویه کارهای پایبندگی انجام میداد به دلایلی از این پتروشیمی بیرون و اخراج گردید، اما چیزی که مایه نگرانی است بی احترامی به وضعیت حقوقی کارگران است که بعد از سه ماه کارمزد آنان پرداخت گردید؛ البته به صورت ناقص و به گونه ای پول کارگران را بالا کشیده است. وقتی که از مسوول امور مالی جناب دهقان پرسیدند؛ ایشان گفته بودند که پول تشک، لباس کار و کفش و... را از کارگران کم کردیم و این گفته ایشان از هیچ روی سند نیست و نمی تواند بر روی دزدی هایشان سرپوش بگذارد؛ چرا که نیروها به مرخصی اجباری فرستاده شده بودند و خود شریان گستر هم بعد از سه ماه تسویه آنها را خودشان انجام دادند و کارگران خودشان تسویه نکردند و بسیاری موارد دیگر..... از سندیکاهای کارگری و فعالین حقوق کارگری میخواهیم که مطالبات کارگران را پیگیری نمایند..... با سپاس..... (وارتان خرمدين ۹۵/۶/۲۹)

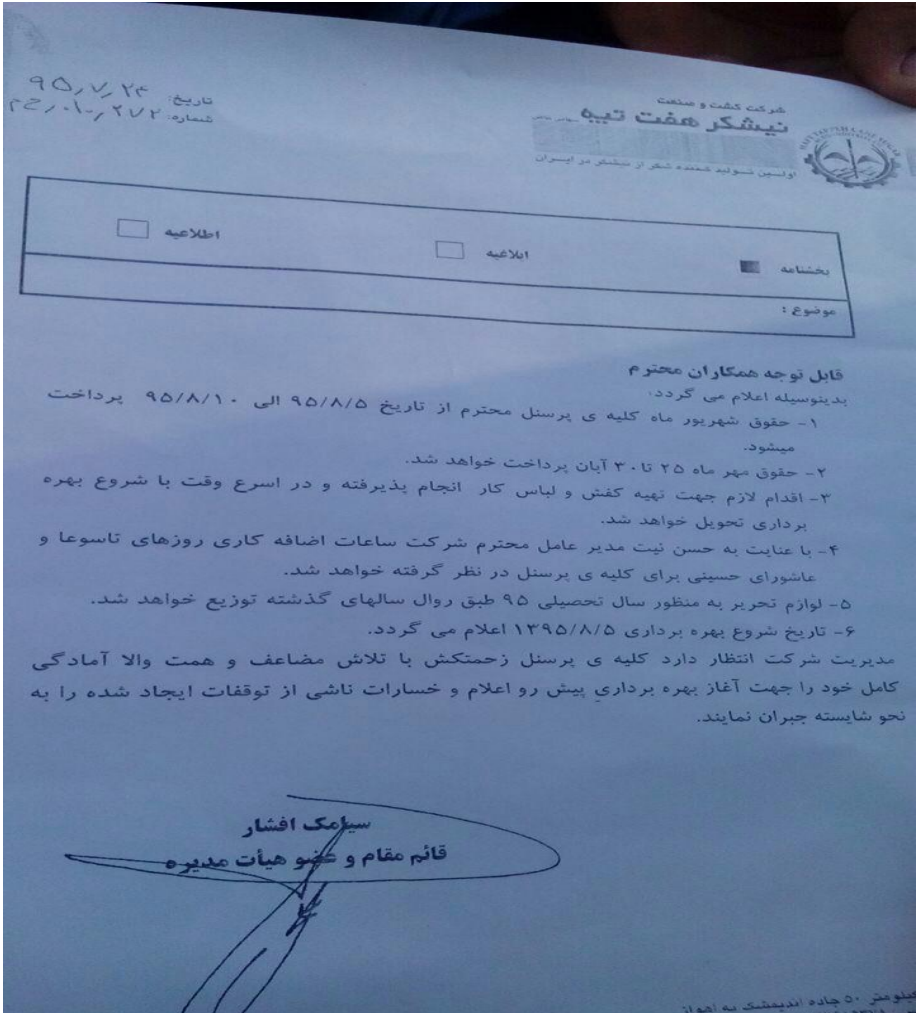
گزارش های خبرنگار پیام سندیکا از نیشکر هفت تپه:



۱- بادرود صبح امروز چهارشنبه ۲۸ مهر ماه تعدادی از پیمانکاران طلبکار از شرکت که بارها جهت طلب خود به شرکت و حتما استناداری و دیگر مقامات مراجعه کرده بودند و حتما حکم قضایی جهت دریافت طلب خود دارند اما از گرفتن مطالبات ناامید شده بودند، قصد داشتند که به مدیریت شرکت مراجعه کنند که حراست شرکت با بستن درب شرکت مانع ورود آنها به شرکت شد. این امر باعث عصبانیت آنها گردید و از بالای درب ورودی وارد شرکت شدند که قائم مقام شرکت حضور نداشت. در ساعت ۲ بعداز ظهر جلسه ای در مدیریت شرکت برگزار شد که بدلیل اختلاف بین دو طرف باعث درگیری فیزیکی شدید و ضرب و شتم قائم مقام شرکت سیامک نصیری افشار شد. در این درگیری رییس امور مالی نیز کتک خورده و شیشه های دفتر مدیریت شرکت نیز شکسته شد.

پس از درگیری بلافاصله در کمال تعجب بجای نیروی انتظامی ؛ نیروهای سپاه پاسداران وارد شرکت شده و نیروهای ویژه در شرکت مستقر کردند البته از ابتدای واگذاری شرکت شایعه بود که شرکت به سپاه واگذار شده که کسی در این خصوص پاسخگو نبود. بعد از درگیری قائم مقام شرکت از افراد مذکور به پاسگاه هفت تپه مراجعه و از پیمانکاران معترض شکایت کردند.

۲- پس از شش روز اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه در رابطه با حقوق های معوقه ، با توافق مشروط با کارفرما به شرح بخشنامه ارسالی اعتصاب را پایان دادند. همچنین مقرر گردید بدلیل مخالفت کارگران با ادامه فعالیت شورا در شرکت و نارضایتی از عملکرد آنان؛ کارگروهی جهت پیگیری مابقی مطالبات کارگران تشکیل شود.



۳- امروز ۱۸ مهر ۱۳۹۵ کارگران شرکت هفت تپه در اقدامی چند باره صبح امروز به دلیل پرداخت نشدن حقوق و مطالبات عقب افتاده در شرکت اقدام به اعتصاب نموده اند. از زمان آمدن مدیران خصوصی شده این شرکت متأسفانه نه تنها به مشکلات کارگران رسیدگی نمی شود بلکه مشکلات دیگری از جمله اخراج کارگران بومی را نیز در سال جاری دامن زده شده است.

۴- امروز ۱۴ مهر پس از پایان کار روزانه ، کارگرانی که از محل کار به خانه می رفتند این بار به خانه نرسیدند. پراپیدی که متعلق به یکی از کارگران بود و همکاران خود را سوار کرده تا به مقصد برساند با منحرف شدن تاکسی سمندی که از روبرو می آمد تصادف کرده و ۲ تن از کارگران کشته شدند. مابقی حادثه دیدگان نیز به بیمارستان نظام مافی شوش منتقل گشته اند. کشته شدگان نیز به سردخانه منتقل شده اند. این حادثه در ۲ کیلومتری کارخانه به وقوع پیوسته و هنوز معلوم نیست که مدیریت کارخانه که مقصر اصلی این حادثه است، آیا برگه حادثه به بیمه داده است یا خیر؟ تا خانواده های داغیده کارگران از حقوق بیمه حوادث بهره ببرند؟

سالهاست که فعالین کارگری و سندیکایی از مدیریت قدیم و جدید خواهان سرویس رفت و آمد متناسب با کار و شرایط زیستی شوش هستند. بی تردید اگر کارگران نه با خودروهای شخصی خود بلکه با سرویس کارخانه به منزل می رفتند ، الان درخانه نزد فرزندانشان بودند نه در سردخانه و یا روی تخت بیمارستان نظام مافی شوش.

کارگران سندیکایی هفت تپه تمام تلاش خود را خواهند کرد که خانواده های بلادیده به حقوق حقه خود برسند.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک این غم از دست دادن همکاران زحمتکش را به سندیکای کارگران هفت تپه و عموم کارگران هفت تپه و خانواده های داغدار «مهدی صالحی» و «احمدی» تسلیت می گوید.

۵- امروز سوم مهر ۱۳۹۵ حدود ۱۲۰ نفر از کارگران روزمزد شرکت نیشکر هفت تپه دلیل اخراج توسط کارفرما جلوی درب ورودی شرکت اعتصاب کردند. این افراد که از اول سال استخدام شده بودند، در این مدت نه حقوقی به آنها پرداخت و نه بیمه آنها واریز شده است. این کارگران خواهان پرداخت مطالبات خود و بازگشت بکار هستند.

۶- مصاحبه زیر از صدای کرخه که یک نشریه محلی در اهواز می باشد برای نشریه پیام سندیکا فرستاده شده است. بخوانید و عمق فاجعه را دریابید که چگونه مدیریت کارگرانی را که حقوقشان را پایمال کرده و ابسته به بیگانه می داند.

مصاحبه اختصاصی مهندس امید اسد بیگی مدیرعامل کشت و صنعت هفت تپه با نشریه صدای کرخه.

ایشان در بخشی از مصاحبه در مورد مطالبات کارگران چنین گفته اند:

مطالبات بازنشستگان شرکت چه زمانی پرداخت می شود؟

بازنشستگان عزیز ما اگر استحضار داشته باشند در سنوات گذشته یکی از معضلات همین بازنشستگان بود که مدیریت قبلی قادر به ساماندهی این عزیزان نبود. ما تا پایان سال جاری ۶۰۰ نفر بازنشسته خواهیم داشت که به امید خدا این تعداد را به افتخار بازنشستگی خواهیم رساند و همچنین پرداخت سنوات آنها براساس عرف منطقه خواهد بود. شرکتهای همجوار بعد از ۶ ماه و برخی بعد از یکسال تنفس مطالبات سنواتی بازنشستگان را تقسیم نموده اند ولی ما برنامه ریزی نموده ایم که زودتر از این زمانها سنوات این عزیزان تقسیم و حقوق آنها را پرداخت گردد.

آیا تأخیر در پرداخت حقوق کارکنان شرکت بازهم ادامه خواهد یافت؟

ما تأخیر قابل ملاحظه ای در پرداخت حقوق نداریم، حقوق های ما منضبط و منظم و بصورت طبیعی در حال پرداخت است. کشت و صنعت هفت تپه ماهیانه حدود ۱۱ میلیارد تومان حقوق پرداخت می کند که رقم کمی نیست و برای ما تأمین ماهانه این مبلغ با توجه به این که هیچ گونه سرمایه ای از خود مجموعه عایدمان نمی شود کار بسیار دشواری است و در حال حاضر خود

دولت نیز در پرداخت ها مشکل دارد. ولی با این حال بدون هیچگونه منبع درآمد از مجموعه کشت و صنعت از منابع هولدینگ تسهیلاتی را دریافت کرده ایم تا حقوق کارکنان هفت تپه عقب نیافتند. شایان توجه است در این دوره از اقتصاد کشور که بسیاری از شرکتها قادر به پرداخت ب موقع حقوق نیستند و با چندین ماه تأخیر پرداختها را انجام می گیرند شیوه پرداخت ما طبیعی است، خوشبختانه ما همیشه حدود یک ماه حقوق عقب افتاده داریم و قبل از اینکه به دو ماه برسد حقوق ها را پرداخت شده و این جریاناتی که در رسانه های بیگانه از ما گفته می شود آب به آسیاب دشمن ریختن است و چنین چیزی نیست. ما در مجموعه ۳ هزار نفری بالاخره چهارتا مخالف هم داریم که دور از انتظار نیست. اینها عمدتاً از بیرون خط می گیرند و می آیند و در قالب گروه های ۴۰-۳۰ نفری جمع می شوند. و جالب است قبل از تجمع رسانه های بیگانه اعلام می کنند در هفت تپه اعتصاب است. بنابراین کاملاً مشخص است که از کجا خط می گیرند و برنامه ریزی آنها آشکار است. روش بکارگیری چند نفر معدود ساده اندیش بعنوان گروه های ۴۰-۳۰ نفری تحت عنوان اینکه حقوق نگرفته اند نخ نما شده و کسی گول اینها را نمیخورد که اعتصاب کنند وکل مجموعه به بحران مبدل گردد، امروز کارگر هفت تپه به این باور رسیده که مدیریت جدید مدیریتی پویا، دلسوز و با پشتکار است و دقیقاً در جهت منافع آنها گام برمی دارد. این مدیریت در حال حرکت است آنها که نفرات اصلی ما هستند باور دارند و درک می کنند. حتی پیغامهایی از سوی کارگران دارم که به من تأکید می کردند درست است که معیشت ما در گرو این پرداخت ها ولی راضی نیستیم این قدر در فشار باشید و ما یک جوری تحمل می کنیم. از طرف دیگر عده ای را داریم که فریاد و فغان می کردند البته عده قلیلی هستند و توضیح دادم که این افراد از کجا خط می گیرند و دنبال چه چیزی هستند و می خواهند هفت تپه بحران زده تبلیغ کنند.

شنیده ایم که هفت تپه از ساکنان منازل سازمانی پول اجاره می گیرد صحت دارد؟

هفت تپه بعبارتی شبه شهری است که ۹۰۰ واحد مسکونی دارد این شهر بوسیله مدیریت های قبلی تخریب شده و خانه ها غالباً بصورت نیمه تخریب یا تخریب شده هستند که برای ساخت و ساماندهی این منازل همانطور که

شهرداریها عوارض اخذ می کنند و یا مالکین اجاره می گیرند ما هم اجاره می گیریم و این اجاره صرف نوسازی، بازسازی و در حقیقت زیباسازی شهر هفت تپه می شود. اگر به شهر هفت تپه گذری کرده باشید خواهید دید بسیاری از منازل از کیفیت استاندارد سکونت برخوردار نیستند. برای اینکه ما این زیبایی

و آرامش را در فضای منازلمان داشته باشیم نیاز داریم که از منازل اجاره بگیریم و این ۹۰۰-۸۰۰ نفری که دارند از این خانه ها استفاده می کنند در واقع با پرداخت اجاره بهاء هزینه زیباسازی و عمران شهر و محل سکونت خویش را پرداخت می نمایند.

۷- جوابیه یکی از کارگران به این اظهارات بی اساس

سلام آقا سید (نماینده شهر دکترو سید راضی نوری)

آقای اسدبیگی حقوق به کارگران که نمیده چرا کارگران رادراین مصاحبه به بیگانه وابسته میدونه و به کارگران توهین میکنه. مگر ما مردم شریف شهرستان نبودیم که با نثارخون جوانانمان از شهر و شرکت و کشور دفاع کردیم؟ اکثر کارگران شرکت از خانواده ایثارگران هستند. چرا بجای پرداخت حق و حقوق مردم به آنها انگ و ابستگی به بیگانه میزند؟ لطفا ایشان را مجاب کنید که طبق قانون مطبوعات درنشریه صدای کرخه از کارگران معذرت خواهی کند. همیشه بچه ای بیاد بخواد مثل برده براش کارکنیم وبهره کشی بکنه ، مگر زمان فراغه است.

۸- نامه یکی از کوشندگان کارگری نیشکرهفت تپه به پیام سندیکا

با درود وخسته نباشید، اینجانب یکی از پرسنل شرکت نیشکر هفت تپه هستم که بهمن ماه سال ۹۴ به بخش خصوصی واگذار گردیده است. اخیرا مدیرعامل جوان شرکت آقای اسدبیگی طی مصاحبه ای با نشریه صدای کرخه که نشریه ای محلی است انجام داده و مباحثی درخصوص شرکت و پرسنل عنوان نمودند که لازم میدانم از این طریق آن رانقد کنم.

ایشان درخصوص کارگران شرکت که بازنشسته شده اند یا در شرف بازنشستگی هستند و بیش از ۲ سال است تقاضای مزایای کارزبان آور آنها تایید شده و منتظر پرداخت ۴ درصد سهم کارفرما به بیمه هستند گفته اند: «که یکی از معضلات در گذشته و مدیریت قبل بوده» مگر ایشان با آگاهی کامل از شرایط شغلی پرسنل، شرکت را خریداری نکردند که مشکلات را به گردن دیگران می اندازند؟ و آیا طبق مزائده برگزار شده شرایط را نپذیرفته است؟

گفته اند که: «پرداخت سنوات افرادی را هم که بازنشسته شده اند را طبق عرف پرداخت خواهند کرد» مگر در ایران قانون وجود ندارد؟

درثانی چرا طبق عرف منطقه در پرداخت مزایا و حقوق پرسنل عمل نمی شود؟ شرکت کاغذ سازی پارس، شرکت همجوار هفت تپه بلافاصله پس از تایید تقاضای زیان اور کارگران ۴ درصد سهم کارفرما را به بیمه پرداخت می کند. چرا در نیشکر هفت تپه بیش از ۲ سال است بیش از ۷۰۰ نفر منتظر ۴ درصد بیمه سهم کارفرما هستند. یا در شرکت نیشکر کارون چرا ضریب ریالی حقوق پرسنل آن شرکت رابه کارگر، آقای اسدیگی پرداخت نمی کند!!! چرا ۱۰ میلیارد مصوبه مجلس را برای نی برآن پرداخت نمی کند؟ چرا طبق شرکت کارون عمل نشده و هنوز کارگران نی بر سرگردان و بلا تکلیف هستند و موارد دیگر.

۲- در مورد تأخیر پرداخت حقوق گفته اند: «که منظم و با یک ماه تاخیر پرداخت می شود که طبق ماده ۳۷ قانون کار باید هر ماه پرداخت شود. بیش از هزار کارگر روز مزد حقوق بهمین و اسفند ۹۴ را و دوماه سال ۹۵ را دریافت نکرده و از ابتدای سال بیمه آنها پرداخت نشده است. ماشینهای استیجاری نیز بیش از شش ماه حقوق نگرفته اند پیمانکاران که بماند... از اینکه ایشان اعتراضات کارگران را وابستگی به بیگانه و خط گرفتن از بیگانه دانستند توهین و تهمت اشکار به کارگران میدانیم. تعداد کارگران معترض را ۳۰ الی ۴۰ نفر اعلام کردند و گفتند بقیه مشکلی برای تاخیر حقوق راندارند را غیر واقعی میدانیم و بررسی سطحی و میدانی موضوع شرایط واقعی رانمایان می کند

۳- درخصوص منازل شرکت گفتند که: «باید بجای مالیات و عوارض حق اجاره بها را افزایش دهند.» قبلاً و هر ساله این افزایش با نرخ تورم و از طریق قطع حق تردد و مسکن اعمال شده است و دلیلی ندارد هزینه مسکن آنقدر که اعلام کردند افزایش یابد. ضمناً درسالهای گذشته پرسنل ساکن اقدام به تعمیر و نگه داری منازل اقدام کردند آیا کارفرمای محترم حاضرند هزینه های چند میلیونی پرسنل را پرداخت کنند تا آنها را تخلیه کنیم؟ **کارگر نیشکر هفت تپه**

۹- فاجعه زیست محیطی در نیشکر هفت تپه

با خریداری شدن شرکت نیشکر هفت تپه توسط بخش خصوصی، مدیریت در اولین گام نه تنها کارگران را اخراج کرده است بلکه به اموال شرکت هم رحم نکرده و هر چیزی را به پول تبدیل می کند.

با دستور آقای سیامک افشار مدیرعامل جدید شرکت، قطع درختان اوکلاتوس شرکت از امروز ۶ مهر آغاز گردیده است. این درختان که در طی سالها کاشته شده است ساینانی است برای آبیاران شرکت که در وقت خستگی و گرمای طاقت فرسا از آن استفاده می کنند. اما مهمتر از همه، این درختان که در محیطی بیش از ۱۲ هزار هکتار قرار دارند و تعدادشان بیش از ۳۰۰۰ اصله درخت است باعث خنکی هوا، جلوگیری از انتشار گردوخاک که بطور متوسط در سال ۱۰۰ کیلو غبار رابه خود جذب کرده و از انتشار آن جلوگیری می کند. این مدیریت قرار بوده است که برای سرمایه گذاری وارد این مجموعه شود نه اینکه سرمایه این شرکت را بفروشد و جنگلی را به بیابان تبدیل کند. آنچه برای بومیان منطقه حایز اهمیت است نابودی این درختان و ضربه کاری به محیط زیست منطقه است. که متأسفانه محیط زیست منطقه هم واکنشی در خور از خود نشان نداده است. از قطع این درختان فیلمی توسط کارگران گرفته شده است.

۹- در جریان بازدید استاندار از بخش شاوور تعدادی از کارگران شرکت نیشکر هفت تپه با تقدیم نامه ای به امضای بیش از ۲۵۰ کارگرمراتب اعتراض خود را در خصوص عملکرد مالکین جدید شرکت و عدم اجرای تعهدات قانونی

توسط کارفرما را به اطلاع استاندار رساندند که طبق درخواست آقای شریعتی تعدادی از کارگران روز دوشنبه ۵ مهرماه به استانداری مراجعه و مشکلات خود را با ایشان در میان گذاشتند از جمله مواردی که کارگران به آن معترض بودند وابسته دانستن کارگران معترض به بیگانه و خارج کشور بود که باعث نارضایتی شدید آنها شده است. کارگران خواستار معذرت خواهی مدیر عامل ۲۸ ساله هفت تپه طبق قانون مطبوعات هستند. استاندار قول پیگیری و حل مشکلات داده و عنوان نموده اند که خریداران به ایشان متعهد شده اند طبق قانون به وظایف خود عمل کرده و مطالبات کارگران، بازنشسته ها، نی بران، ماشین های استیجاری، ۶ ماه بیمه معوق کارگران روز مزد و طلب پیمانکاران را پرداخت نماید. اعتراضات مکرر اخیر در شرکت باعث نگرانی مسوولین شهرستان و استان شده است.

۱۰- صبح امروز چهارشنبه ۷ مهر مراسمی در نمازخانه شرکت نیشکر هفت تپه برگزار گردید. آقای سیامک نصیری افشار قائم مقام مدیرعامل به کارگران اعلام نمودند که: «در زمان دولتی بودن شرکت (قبل از بهمن ماه ۹۴) سالانه حدود ۳۵ میلیارد تومان دزدی می شده است که پس از خصوصی شدن شرکت جلوی آن گرفته شده و شرکت به کوری چشم مخالفین به سودآوری رسیده است»

اگر منظور آقای افشار مدیران قبلی شرکت است چرا برخی از آنها هنوز به فعالیت خود ادامه می دهند؟ لازم به ذکر است که شرکت قبل از واگذاری زیر نظر سازمان گسترش و نوسازی صنایع اداره می شد. امیدواریم سازمان گسترش و نوسازی صنایع در خصوص این ادعای قائم مقام مدیریت شرکت نیشکر هفت تپه پاسخگو بوده و اگر تخلفی صورت گرفته برخورد قانونی صورت بگیرد. ایشان درخصوص پرداخت دوماه حقوق پرسنل هیچ گونه پاسخ روشنی نداشت. و بنابر اطلاع موثق امروز می بایست به استانداری مراجعه و به استاندار در خصوص عملکرد ضعیف و ناتوانی در انجام مطالبات طلبکاران و پرسنل پاسخگو باشند.

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از چرایی حوادث این چینی در ایران خودرو؟

پنجم بهمن ماه ۸۹ و مصادف با اربعین حسینی را شرکت بصورت سه شیفت کار اعلام می کند. کارگران شیفت شب که در حال ورود به شرکت بودند و در خیابان داخل شرکت در تردد بودند، یک کامیون کمپرسی بنز که راننده اش به دلیل خواب آلودگی و خالی کردن ترمز از پشت سر به کارگران که در حال تردد بودند برخورد کرده و چهار نفر را کشته و دست کم دوازده نفر مجروح می شوند. این اتفاق در حالی رخ می دهد که شرکت روز تعطیل رسمی را برای دستیابی به اهداف سودجویانه ی خود کار اعلام کرده بود، یعنی در صورت تعطیلی شرکت این اتفاق تلخ بوقوع نمی پیوست.

سی ام شهریور سال ۹۵ و همزمان با عید غدیر، شرکت این روز را سه شیفت کار اعلام میکند. شیفت صبح و سرویس حصارک کرج که در حال حرکت به سمت شرکت بود، بر اثر خواب آلودگی راننده، از پشت به مینی بوس برخورد کرده و بعد واژگون می شود.

در این تصادف که در روز عید غدیر و تعطیلی بوقوع می پیوندد ۲ نفر از همکاران کشته و دست کم ۱۱ نفر مصدوم می شوند که دو نفر دارای مصدومیت شدید و شکستگی از ناحیه ی کمر و لگن می شوند. این حادثه هم در پی اهداف سودجویانه شرکت صورت می گیرد.

در این دو حادثه ۲ رخداده مشترک است: ۱- خواب آلودگی ۲- روز تعطیل

آیا مدیریت ایران خودرو نباید این موضوع را تحلیل کرده و برایش چاره ای بیندیشد؟ ۶ کشته و تعداد بیش از ۲۰ مجروح، برای چاره اندیشی این حوادث کافی نیست؟ موضوع شیفت و خواب آلودگی در خود شرکت ایران خودرو هم کم کشته از کارگران نگرفته است.

به مدیریت ایران خودرو فرصت داده می شود تا در این مورد گزارشی به کارگران ارائه کند.

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از فولاد مبارکه:



در حالی که کارخانه های صنعتی ما همچون لوله سازی ، واگن سازی و کارخانه های خودرو سازی به محصولات تولیدی و خام کارخانه فولاد مبارکه احتیاج دارند، مدیریت این کارخانه آقای سبحانی دستور داده اند ۷۰ درصد محصولات تولیدی این کارخانه به خارج صادرشد و فقط ۳۰ درصد در بازار داخلی فروخته شود. این درحالی است که کارخانه لوله سازی ایران برای کمبود مواد خام فولادی خود مجبورند ۶۹ درصد احتیاج خود را از خارج از کشور با قیمت بالاتر داخلی از خارج وارد کنند.

این دوگانگی در سیاست های اقتصادی را چه کسی باید مدیریت کند؟ وزیر صنعت آیا متولی حل این دوگانگی نیست؟ محصولات ما به هزینه کشور با قیمت ارزان صادر و در عوض همان محصولات با قیمت گران تر وارد کشور شود.

این حماقت اقتصادی را مافیای مالی چنان سازمان داده است که ارزشهای حاصل از فروش نفت در کشور نماند. حال ما برای ورود ارزشهای برجام تلاش کنیم تا مافیا باز هم این ارزشها را به خارج بفرستند

خصوصی سازی یا مافیای در تاکسیرانی



حمل و نقل شهری همواره یکی از دغدغه های اصلی در موضوعات هر شهری بوده و هست. بی تردید حل مشکلات معیشتی این بخش از زحمتکشان می تواند در سطح جامعه تاثیر گذار باشد.

تاکسیرانی در تهران قدمتی بیش از ۷۰ سال دارد. و این قشر زحمتکش برای تحصیل روزی بیش از زحمتکشانی که در موسسات تولیدی کار می کنند زحمت کشیده و با مشکلات معیشتی و ارگان های شهری روبرو هستند. رانندگان تاکسی برای حل کردن این مشکلات در اواخر دهه سی مبادرت به ایجاد اتحادیه رانندگان تاکسی کرده تا مشکلاتشان را پیگیری و حل کنند. این اتحادیه نیز مبادرت به تشکیل تعاونی تاکسیرانان کرد تا بخشی از مشکلات رانندگان تاکسی از قبیل فراهم آوردن روغن، لاستیک، تعمیر و تعویض تاکسی را در دستور کار خود گذاشتند. در سالهای بعد برای خرید ارزان لاستیک و روغن بخشی از سهام کارخانه کیان تایر (لاستیک البرز) و سهام روغن شرکت نفت را خریداری کردند. لاستیک ارزان و روغن ارزان و تعمیرگاههایی که با اتحادیه و تعاونی تاکسیرانی قرارداد داشتند مبادرت به پوشش دادن مشکلات رانندگان در زمینه های فوق را نمودند تا باری از دوش رانندگان تاکسی برداشته شود. متأسفانه اتحادیه در سال ۱۳۶۴ بسته شد و تعاونی هم دچار سو استفاده های مالی و مدیریتی قرار گرفت. امروز همکاره تاکسیرانان سازمان تاکسیرانی است که زیر مجموعه ای از شهرداری تهران می باشد

تا ۲۰ سال پیش همه رانندگان تاکسی در زیر مجموعه تاکسیرانی جمع بودند که با خصوصی سازی سرو کله بنگاههایی پیدا شد که هیچ تجربه ای در امر حمل و نقل شهری نداشته و ندارند. در حال حاضر تاکسیرانان به خطی، فرودگاهی، تلفنی و آزاد تقسیم شده اند. در حالی که در گذشته ای نه چندان دور زیر نظر سازمان تاکسیرانی فعالیت می کردند.

با اجرای طرح خصوصی سازی و یا وارد کردن مافیا به این بخش از حمل و نقل شهری مشکلات رانندگان چند برابر شده است. این شرکت ها که فقط نام شرکت را یدک می کشند در حقیقت باجگیری هستند که لقمه نان رانندگان تاکسی را بدون هیچ زحمتی شریک شده اند. این شرکت ها از هر راننده تهرانی حداقل ماهیانه ۶۰ هزار تومان شارژ دریافت می کنند که مثلن خدمات ارایه بدهند. یکی از خدمات آنان موضوع بیمه رانندگان است که بارها حق بیمه کسر شده رانندگان را به شعبات تامین اجتماعی پرداخت نکرده اند. و یا در تعویض تاکسی های فرسوده با ۴ برابر کردن قیمت اصلی خوردو فروخته شده با این رانندگان باعث نابودی این زحمتکشان را فراهم آورده اند. امروز کارخانه لاستیک دنا که ۱۵ درصد سهامش متعلق به رانندگان تاکسی است فروخته شده و ریالی به رانندگان هم پرداخته نگردیده است. لاستیک البرز که روزگاری با تولید بهترین لاستیک ها مشهور بود و بخش اعظم لاستیک هایش در اختیار رانندگان تاکسی و اتوبوسرانی قرار می گرفت امروز به همت همین مافیا و واردات لاستیک از خارج، ورشکسته شده است. معلوم نیست که سهام افسانه ای تعاونی این رانندگان به چه مصارفی رسیده است. خواسته های رانندگان تاکسی تهران اعم از خطی و فرودگاهی و تلفنی و آزاد:

- ۱- بررسی مالی تعاونی تاکسیرانی ۲- تشکیل اتحادیه رانندگان تاکسی ۳-
- بررسی دفاتر مالی شرکت های مافیایی حمل و نقل در حوزه تاکسیرانی ۴-
- گزارش سازمان تاکسیرانی از عملکرد خود طی ۲۰ سال اخیر ۵- برگشت اموال تاکسیرانان به تعاونی و بررسی و محاکمه مدیران تاکسیرانی می باشد

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از خواسته های رانندگان تاکسی:

۱ - سازمان خودرو سمند و آریو را در اختیار رانندگانی که دارای خودرو فرسوده بودند قرار داده که مورد تایید فرودگاه امام نمی باشد و باعث مشکلات عدیده گردیده و رانندگان آریو برای پرداخت اقساط با مشکل روبرو گردیده اند. ۲- شرکت تعاونی تاکسیرانی را که رانندگان تاکسی تحت پوشش هستند و قدمتی بیش از ۵۰ سال دارد که خدمات ارزنده ای همیشه داشته و با کمترین تخلف به در ناوگان تاکسیرانی انجام وظیفه نمودند و سالهاست که مدیریت سازمان نظارت بر تاکسیرانی با دخالت های بی مورد در فکر از بین بردنشان است ۳- سازمان نظارت بر تاکسیرانی موظف میباشد با توجه به اینکه خودروهایی را در اختیار رانندگان قرار داده که مورد تایید فرودگاه نمی باشد و این امر باعث گردیده رانندگان متضرر گردند لذا این موضوع مطلب هر چه سریعتر حتا با تعویض خودروهای فوق بیشتر از این باعث متضرر شدن این راننده گان نگردند ۴- رانندگان تاکسی خواهان بازگشایی اتحادیه خود برای حل مشکلات رانندگان می باشند تا دست شرکت های باج بگیر خصوصی قطع شود. ۵- رانندگان خواهان بررسی مالی بر تعاونی تاکسیرانی و همچنین اموال کارگران در اتحادیه و تعاونی از طریق فرستادن حسابرسان رسمی دادگستری می باشند.

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از تجمع رانندگان تاکسی

صبح امروز ۲۶ مهر بیش از ۸۰ تن از رانندگان تاکسی فرودگاههای مهرآباد و امام خمینی که از محل فرودگاه امام بصورت زنجیری حرکت کرده بودند در ساعت مقابل سازمان تاکسیرانی در میدان آزادی دست به تجمع زدند.

اعتراض این رانندگان به سازمان تاکسیرانی مبنی بر تعویض خودروهای فرسوده با خودرو های سمند و اریو بود. رانندگان پس از تعویض از ورود به فرودگاه منع شده اند. سازمان تاکسیرانی خودرو سمند و اریو را در اختیار رانندگان قرار داده که مورد تایید فرودگاه امام نمی باشد و باعث مشکلات عدیده گردیده و رانندگان اریو برای پرداخت اقساط با مشکل روبرو شده اند.

همچنین باتصمیم سازمان تاکسیرانی، تاکسیرانان امام خمینی حق کار در مهرآباد را نداشته باشند و بالعکس را ندارند. در صورتیکه در سال گذشته از هر راننده ۲۹۰ هزار تومان بابت دوربین گذاری و رعایت نوبت کامپیوتری گرفته شده بود. هرچند دو تن از معاونان سازمان تاکسیرانی در جمع رانندگان معترض حاضر شدند و قول مساعد دادند که مشکلات رانندگان را در اسرع وقت حل کنند، اما رانندگان می گویند از این وعده ها بسیار دیده اند و بر حق خود مبنی بر داشتن اتحادیه رانندگان تاکسی جهت مقابله با این بی قانونی ها تاکید داشتند.

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از ترفند تاکسیرانی:

با درود باز هم سازمان تاکسیرانی تهران حيله ديگري براي رانندگان ويژه فرودگاه انديشيده است. سازمان تاکسیرانی مجوز اخراج تاکسی های بالای ۱۰ سال را به مسوولان فرودگاه پیشکش کرد تا جایی برای ورود خودروهای گران قیمت شرکت اقلزاده پاک رو با رشوه یک میلیون تومانی باز کند و به بهانه ی حمایت از ورود خودروهای اریو به فرودگاه امام ، توپ را به زمین فرودگاه انداخت. رانندگان تاکسی با این ترفندها سالهاست که آشنايند و می دانند که سازمان تاکسیرانی خود یکی از گماشته گان این شرکت های خصوصی آقازاده ها می باشند.

فقط با بازگشایی اتحادیه رانندگان تاکسی می توان این ترفندها را از زندگی رانندگان دور داشت.

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از حوادث ساختمانی



در اولین هفته مهرماه ، طی دو حادثه ی جداگانه دو کارگر ساختمانی دچار حادثه شدند. یک کارگر از طبقه چهار ساختمانی در هشتگرد همراه بالابر به پایین سقوط نمود و جان خود را از دست داد. در نظرآباد نیز یک کارگر از طبقه چهار همراه بالابر سقوط کرد و از ناحیه هر دو پا و سر دچار آسیب شدید گردید و در بیمارستان میزان هوش او ۴٪ اعلام گردید. این نشان از بی توجهی شدید به ایمنی کار می باشد که قسمت عمده ی آن به سودجویی صرف سازندگان ساختمانهها ربط دارد و بی توجهی ناظران بخش ایمنی کار که قطعاً این موارد نه اولین و نه آخرین خواهد بود.

آیا وزارت کار با غیرفعال کردن بخش بازرسی خود به این حوادث کمک نمی کند؟ آیا ممانعت از فعالیت سندیکاهای کارگری به این دلیل نیست که اجازه ندهند داد که کارفرمایان با جان کارگران اینچنین بازی کنند؟

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از وضعیت گندم کاران



گندم کارانی که با هزار مشقت و قرض از بانک ها خود را به فصل درو می رسانند بعد از درو باید در به در ادارات دولتی برای دریافت پول گندم خود باشند. متأسفانه دولت بعد از ۴ ماه هنوز پول گندم کاران استان البرز ، مازندران، ... و دیگر استان ها بطور کامل پرداخت نکرده و تاکنون فقط ۳۰ درصدش را به کشاورزان پرداخت کرده است. این درحالی است که یکماه پیش هم رییس جمهور و هم آقای نوبخت اعلام کرده بودند که تا آخر شهریور طلب گندم کاران تسویه خواهد شد.

گندم کاران پول دریافتی را باید به کارگر، سم، تراکتور و بدهی به بانکها بپردازند. گندم کاران بابت این دیر کرد دولت، باید به بانکها دیر کرد داده و آنچه برایشان می ماند زحمت و خستگی و بی انگیزه گی برای کاشت سال بعد میباشد.

از دولت باید پرسید چگونه برای دادن پول به کشاورز گندم کار پول نیست اما برای واردات گندم از چند ماه قبل پول در حساب بانکهای خارجی هست؟ مافیای مالی به دنبال نابودی کشاورزی و واردات بیشتر گندم و سپردن نان کشور به خارجی ها تلاش می کند. دولت به هوش باشد!

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از کرمانشاه:

در یک اقدام ضربتی در مرزهای استان کرمانشاه در هفته اول مهرماه، نیروی زمینی سپاه اقدام به برپایی بیمارستان های صحرائی در این مناطق نمود. در این بیمارستان ها به ۲۵۰ هزار نفر خدمات رایگان از جمله ویزیت، دارور، عکسبرداری، آزمایش های مختلف، ارایه شد.

حتا در این بیمارستان ها مردم منطقه از MRI و دریافت نسخه های بیماری های خاص که فقط در داروخانه سیزده آبان تهران می توان یافت بطور رایگان برخوردار شدند. همچنین در مدت برپایی این بیمارستان ها تعداد ۸۰۰ عمل جراحی رایگان نیز انجام شد.

آنچه قابل توجه است این موضوع است که بعد از رفتن این بیمارستان های صحرائی از منطقه، مردم محروم برای درمان بیماری هایشان به کجا باید مراجعه کنند؟ آیا این اقدامات ضربتی به حل قطعی مشکل بهداشت و درمان مردم منطقه منجر خواهد شد؟ چرا تاکید قانون اساسی مبنی بر بهداشت رایگان و همه گیر اجرایی نمی شود؟ تا به چنین اقدامات ضربتی احتیاجی نباشد؟

دستمزد مناسب با ۸ ساعت کار و تامین کننده نیازهای یک خانواده ۴ نفره از اصلی ترین تلاش های سندیکاهای کارگری است.

سندیکاهای کارگری مخالف هر گونه قراردادهای سفید امضا، موقت، پیمانی بوده و در راستای رسمی کردن همه کارگران می کوشند.

برای زندگی آبرومند و مناسب و رفع بیکاری، فقر و گرانی و با ایجاد تعاونی های مصرف، این پدیده شوم را از چهره میهن بزادیم

برای اجرای تحصیل رایگان، تامین اجتماعی فراگیر و رایگان و جامعه ای عاری از فقر و تبعیض به سندیکای کارگران فلزکارمکانیک پیوندید.

اخبار کارگری از شرکت واحد اتوبوسرانی



"به نام دادگر"

۱ - کاری کنید که بماند نه کاری کنید که بمانید

اعضای شورای شهر را چه شده است؟ گویا مسخ شده اید و وظایف و تکلیف خود را در رابطه با شهروندان، بالاخص کارگران شرکت واحد را فراموش کرده اید؟ از مورخه ۱۲ مرداد و بعد از تجمع کارگران مظلوم شرکت واحد به همراه خانواده‌ها ایشان جلوی شورای شهر و شهرداری برای پیگیری حق مسکن خود هیچگونه پاسخی داده نشده است. چرا؟؟ ظاهراً شورای شهر هیچ ارزش و جایگاهی برای کارگران قائل نیستند که در صدد پاسخگویی نیامدند. شاید هم برق قدرت و رانت شهرداری اجازه نمی‌دهد که کوچکترین حق شهروندی هم برای کارگران زحمتکش شرکت واحد قائل باشند.

شورای شهر چرا پاسخگو نیست؟

خانم معصومه آباد : شما بعد از مراجعه کارگران و تجمع در شورای شهر و شهرداری کارگران را دعوت به آرامش و سپس قول پیگیری و پاسخگویی را دادید پس چه شد پاسخگویی شما؟

کارگران دردمند شرکت واحد به همراه نمایندگان مورد اعتماد خود تا آخرین نفس پیگیر حق مسکن خود می‌باشند.

تمام سعی و تلاش ما کارگران این است که مطالبات قانونی خود را در رابطه با حق مسکن مان به شکل کاملاً دموکراتیک و از مجاری قانون پیگیری خواهیم کرد، ولی این را بدانید که کارگران نسبت به اتلاف وقت و زمان خریدن شما کاملاً آگاهند و در صورت لزوم از مجاری قانونی دیگر اقدامات خود را پیگیری خواهند کرد.

ما کارگران این حق را برای خود محفوظ میداریم که در صورت عدم پاسخگویی شما از راههای دیگری، برای رساندن پیاممان به مسئولین ارشدتر تلاش کنیم. ما تا وصول حق مسکنمان از پای نخواهیم نشست.

۲- کی از معضلات و مشکلات این روزهای مجموعه شرکت واحد به ویژه سامانه یک، صادر کردن دستورات خلاف عرف و قانون فقط و فقط در جهت منافع مسئولین می باشد که خروجی آن اجحاف و تنش در حق کارگران گردیده و پس از اینکه توسط کارگران متضرر، اعتراضی به نحوه کار و عمل مسئولین می شود طی سنت همیشگی از حربه فعالیت سندیکا و واگذاری به بخش خصوصی صحبت به میان می آورند به عنوان نمونه در یک اقدام منفعت طلبانه مسئولین فنی سامانه یک، ادغام بخشهای جلوبندی و ترمزی میباشد.

در حالی که طبق حکم، سیستم هدایت خودرو و طبق قانون ۳ کارگاه مجزا با حق سرپرستی طراحی شده است. ۱- ترمزی ۲- جلوبندی و هیدرولیک فرمان ۳- کمپرس یا پنوماتیک

سؤال اینجاست: آقایان مسئول با ادغام این دو بخش حق و حقوق پرسنل چه میشود؟

آیا سرپرستان این دو قسمت طی ادوار گذشته از گرفتن حق سرپرستی، همچنان برخوردارند؟

مگر نه اینکه یکی از مهمترین وظایف سرپرستان کارگاهها، اشراف بر کار و نظارت بر حسن انجام کار میباشد؟ با ادغام کردن این دو کارگاه و مسئولیت

دادن به افرادی که فاقد تخصص میباشند و اجبار آن توسط مسئولین به کار بر خلاف نپرداختن حق پست، آیا صحیح است؟

این سو استفاده نیست؟ پس چیست؟

حق پست کارگاه جلوبندی در اختیار آقای (ع م) میباشد که اصلا در چارت تعمیرگاه و در آن قسمت اشراف نداشته و در قسمت دیگری شاغل می باشد که این خود گوشه ای از تخلف مسئولین مربوطه میباشد. در صورت بروز خسارت (از جمله لاستیک سابی فراوان و خرابی پی در پی لاستیکها صدای جلوبندی و به تبع آن خراب کردن کمک اطاق و در نهایت پایه خمره ای) توسط افراد فاقد تخصص انجام گرفته، تکلیف چیست؟

چه کسانی دستور این کار را میدهند و هدفشان از این کارهایی که باعث ضرر دهی شرکت و توقف و رکود در امر حمل و نقل می گردد، چیست؟

همچنان منتظر جواب دهی مسئولین ذیربط در خصوص اقدامات صورت گرفته میباشیم.

۳- سالهاست که مسوولین شرکت واحد با شروع سال تحصیلی و بازگشایی مدارس در بوق و کرنا می دمنند و در رسانه ها تبلیغ می کنند که با تمام ظرفیت ناوگان و بعنوان بزرگترین سازمان خدمات دهی به مردم، جهت برداشت مسافر، به ارایه خدمات به همشهریان می پردازد. آیا خدمت رسانی فقط باید به همشهریان باشد؟ و نباید پرسنل اتوبوسرانی را شامل گردد؟

آیا مسوولین شرکت واحد یک بار از وضعیت تحصیلی و معیشتی فرزندان کارگران شرکت واحد از خود پرسیده اند؟ که این بچه های همان رانندگانی هستند در روز های اول مهر در خیابانها به رساندن فرزندان مردم مشغولند؟

آیا نباید این کارگران از حداقل های یک زندگی آبرومند و در شان خانواده شان بهره مند باشند؟

آقای مدیر عامل : ما کارگران شرکت واحد ایمان داریم که زندگی انسانی، حق ماست.

ما کارگران و کارکنان عضو سندیکای کارگران شرکت واحد با شجاعت و اقتدار اعلام میداریم، منزلت، معیشت، تحصیل و بیمه رایگان حق انسانی ما و فرزندانمان می باشد و در این راه اجرای این موارد از هیچ کوششی فرو گذار نیستیم.

۴- گزارش چشمان تیزبین کارگران سندیکایی :

خط شبانه سامانه یک که با تعداد ۳۰ دستگاه اتوبوس شهاب به شرکت ایمن سیر هویزه واگذار گردیده است. در مورخه ۲۵ شهریور روز پنجشنبه ۲ دستگاه اتوبوس یانگ من بشماره های ۷۹۸۹۸ و ۷۹۹۱۱ که متعلق به بخش دولتی میباشد اقدام به جابجایی مسافر و درآمد زایی در خط شبانه توسط مسئولین سامانه یک نموده است.

به دستور چه کسی از بیت المال هزینه شده است؟ و درآمد این کار به جیب چه کسانی رفته است؟

چرا مسئولین حراست و بازرسی همچنان چشم و گوش خود را نسبت به تخلفات مجموعه سامانه یک بسته نگه میدارند؟

در حالیکه کارگران محروم از حق مسکن جهت گرفتن حق خود به جلوی شورای شهر و شهرداری میروند با احضار و نشان دادن عکسهای گرفته شده توسط عوامل حراست اقدام به جابجایی، تغییر شیفت و ساعت کاری مینمایند و ایجاد رعب و وحشت می کنند اما در مورد این گونه تخلفات ساکت مانده اند؟

آقایان مسئول کمی بخود آمده و در قبال این گونه اعمال خلاف واکنش نشان دهید. و بدانید کارگران سندیکایی چشمان تیزبین منافع کارگران و افشاکننده سو استفاده کنندگان هستند.

۵- نامه ای به شهردار تهران

جناب آقای قالیباف، شهردار محترم تهران، من یکی از صدها کارگر شرکت واحد اتوبوسرانی میباشم که پدرم در جبهه های حق علیه باطل در عملیات کربلای ۵ به درجه رفیع شهادت رسید. موقعی که خبر شهادت پدرم در اسفند ماه سال ۶۵ به ما رسید من کودکی ۱۰ ساله بودم. در سن ۲۷ سالگی به استخدام شرکت واحد درآمدم و بعنوان راننده مشغول بکار شدم. اکنون بعد از گذشت ۳۰ سال از شهادت این عزیز از دست رفته همیشه پیش خودم فکر میکنم اگر او الان زنده بود و این اوضاع و احوال مرا می دید چه می گفت؟ کارگران دیگری هم از خانواده شرکت مثل من جزو خانواده شهید، ایثارگر، جانباز، آزاده هستند. فرقی نمی کند بهر حال ما به نوعی عزیزانمان را در جنگ تحمیلی ۸ ساله از دست داده ایم. اینها و بسیاری دیگر از این زحمتکشان بعد از گذشت سالها خدمت در شرکت واحد هنوز مستاجریم و هر از چند گاهی بخاطر گرانی مسکن از خانه ای به خانه دیگر نقل مکان می کنیم.

شهردار محترم نمیدانم این نامه بدستت می رسد یا نه ولی ما بچه های انقلابیم، ایرانی هستیم. سزاوار نیست که گرفتار حداقل های زندگی از جمله مسکن باشیم. شما بهتر میدانید که کارگران شرکت واحد صبر ایوب ندارند و به اندازه کافی حوصله به خرج داده ایم .

من با صدای بلند فریاد می زنم آقای شهردار حق مسکن من کو؟ شما نمی توانید نسبت به خون های ریخته شده یادگاران شهدا بی تفاوت باشید

امضا محفوظ

۶- اتحاد و همدلی رمز موفقیت

چرا کارگران و زحمتکشانی که بیشترین سهم را در تولید، خدمات، صنعت و کشاورزی دارند کمترین سهم را در بهره وری از تولیدات خود بدست می آورند. نگاهی تاریخی به رابطه کارگر و سرمایه دار در نظام سرمایه داری این حکایت تلخ را روشن و ثابت میکند که کارگران بعنوان بازوی اصلی تولید

همیشه سهم حداقلی از تولید داشته و نظام سلطه سرمایه داری با انواع دسیسه ها و به اشکال مختلف سهم اندک و بخور و نمیری را عاید کارگران می کند.

در شرکت واحد اتوبوسرانی تهران، بعنوان بزرگترین سازمان خدمات دهی نیز همین قانون نظام سلطه حاکم است. کارگران شریف و رانندگان زحمتکش شرکت واحد بیشترین تلاش و بهره وری را دارند اما سهم اندکی نصیبشان میشود و در طرف مقابل مدیران و مسئولین شرکت واحد که بود و نبودشان نقشی در حمل و نقل شهری ندارند بیشترین حقوق را می برند. علت این همه تبعیض در چیست؟

به جرات می توان گفت که کارفرما بیشترین سود را از عدم اتحاد کارگران شرکت واحد را می برد. هر چقدر سطح اطلاع و آگاهی کارگران از حداقل های موجود در قوانین کار بیشتر شود کارفرما احساس خطر می کند. تنها راه رسیدن به خواسته های به حق پرسنل شرکت واحد آگاهی، اتحاد، همدلی و همبستگی در میان زحمتکشان میباشد.

هر رفتنی رسیدن نیست ، برای رسیدن چاره ای جز رفتن نیست

شکست در مقابل کارفرما به دلیل عدم آشنائی به حقوق اولیه ، پیگیری نکردن مطالبات و پاره شدن رنجیر اتحاد در میان کارگران میباشد.

تنها نمان ز درد کین درد مشترک هرگز جدا جدا درمان نمیشود

احضار کارگر، جابجایی، تغییر شیفت، بردن به کمیته انضباطی،،،،، موارد منسوخ شده این روزهای مسئولین شرکت واحد به جهت شکستن اتحاد میان کارگران می باشد. کارگران شرکت واحد باید سهم بیشتری از خدمات ارائه شده در شرکت را داشته باشند. پرسنل واحد میبایست با متحد شدن در کنار نمایندگان واقعی خود در سندیکا ضمن فراگیری آموزشهای لازم و مشارکت همه جانبه در گرفتن حق و حقوق از دست رفته خود دست سودجویان را قطع نمایند.

تا ندانیم، نمی توانیم نمی توانیم، چون نمیدانیم

۷- در آستانه بازگشایی مدارس



سندیکای کارگران شرکت واحد، سال جدید را به تمامی خانواده های کارگری به ویژه زحمتکشان شرکت واحد را تبریک می گوید. با شروع مهرماه نزدیک به هزاران دانش آموز و دانشجو که فرزند کارگران شرکت واحد هستند، سال تحصیلی را در حالی آغاز می نمایند که پدرانشان هنوز درگیر حداقلهای تامین زندگی در شرکت واحد می باشند. پدرا نی که ندای به حق آنها در رابطه با نیازهای اولیه زندگی شان از جمله مسکن و تحصیل و درمان،،،، همیشه به عنوان بزرگترین دغدغه شان بوده است و فرزندانشان به نیکی با این حس پدرانشان آشنا شده اند و با پایین آوردن خواسته های خود سعی در همراهی با پدرانشان در مقابل مشکلات زندگی می باشند .

آقای مدیرعامل فرزندان ما کارگران هم پی به بی تفاوتی حضرتعالی نسبت به خواسته های زحمتکشان برده اند و سال تحصیلی را با کیف و کفش سال گذشته و کوله پشتی تعمیر شده شروع می کنند. شما فرزندان ما کارگران را از همان کودکی با تبعیض و نابرابری در تحصیل آشنا کرده اید.

با این بی توجهی مسئولین و بی تفاوتی آنها به مشکلات و معضلات رنجبران، فرزندانمان می آموزند که اگر فردا دارای پستی شدند ، برخلاف شما به طبقه زحمتکش پشت نکنند .

ما به فرزندانمان یاد می دهیم که: ادب از که آموختی از بی ادبان.

۸- سخنی صمیمانه با همکاران شرکت واحد به ویژه رانندگان محترم و زحمتکش

سندیکای کارگران شرکت واحد با توجه به رسالت تاریخی و ذاتی خود، همواره افشاگر مسائل مربوط به کار و کارفرما بوده و هست و در همین راستا سالهاست که با پرداخت هزینه های متعدد، قدمی از آرمانهای خود کوتاه نیامده است. لذا با توجه به فرا رسیدن سال تحصیلی لازم دیدیم نکاتی هرچند کوتاه را با رانندگان عزیز در میان بگذاریم:

عدم پابندی مدیریت به موازین حقوقی و خواسته های کارگران، دلیلی بر کم کاری یا کوتاهی در امر خدمت رسانی ما کارگران بویژه رانندگان نخواهد شد.

سندیکای کارگران شرکت واحد بعنوان مرجع به حق کارگران همواره توصیه موکد به رعایت نظم و انضباط کاری از جمله پوشیدن لباس فرم، برخورد زبینه و با احترام با مسافری، رعایت سرعت استاندارد، حضور حداکثری در خطوط، عدم استعمال دخانیات در حین کار،،،،، در امر جابجائی را داشته است .

بی تردید موانع و کم کاری کارفرما دلیلی بر کوتاهی در کار نخواهد بود. ما کارگران شاغل در شرکت واحد، ضمن پیگیری حقوق مسلم و ابتدایی خود از قبیل مسکن، درمان، بهداشت..... در محیط کار از سوی فعالین سندیکایی، خدمات دهی خود را برای رفاه حال همشهریان و مردم عزیزمان به درستی و با صداقت انجام خواهیم داد.

گسترده تر باد اتحاد کارگران شرکت واحد

پایدار باد سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و
حومه

۹- عملکرد مدیریت شرکت واحد در مهرماه

همزمان با شروع سال تحصیلی و بازگشایی مدارس و دانشگاه ها ، مدیریت شرکت واحد گویی از خوابی سنگین بیدار شده و ضمن آماده باش به تمامی قسمتها و لغو مرخصی پرسنل، خود را برای عرضه خدمات بهتر آماده می کند. آنچه که در اینجا مورد سؤال است: چرا در طول سال، خبری از این همه هیاهو و بگیر و ببند نیست؟ مگر در طول سال مردم نیاز به خدمات ندارند؟ مگر کار خدمات رسانی فقط محدود به مهر ماه می باشد که آقایان با تحت فشار قرار دادن کارگران از آنها خدمات دهی می خواهند؟ مگر قرار است در این ماه امتیاز ویژه ای به کارگران یا به شرکت داده شود؟ مدیریت و بخش رسانه ای شرکت واحد از بیان واقعیت ها در رسانه های عمومی و مردم طفره می روند. مدیریت شرکت واحد و ناوگانش در طول سال توان سرویس دهی به مردم را ندارد، چطور در شروع سال تحصیلی می خواهد این حجم مسافر را پاسخگو باشد؟ پاسخ راحت است. با هزینه کردن جان و آبروی رانندگان و کارگران شرکت واحد.

به عنوان نمونه مدتهاست تعمیرگاههای شرکت، اتوبوسهای متوقفی خود را که ماهها در گوشه ای خروارها خاک خورده را بدون کوچکترین تعمیری و با همان ایراد اعزام به خط می نماید. کافیست بهره برداری اعلام نیاز و نبود اتوبوس را اعلام می نماید تا مسوول توقفگاه براحتی اتوبوس دارای نقص فنی را رزرو و تحویل راننده میدهد.

این چیزی جز مدیریت سرسری مسوولین و به مخاطره انداختن جان مسافران نیست؟

این ناوگان فرسوده نیاز به بازسازی فوری دارد؛ اما با این مدیریت توان چنین چیزی نیست. با مشورت با رانندگان و مسوولین معتمد تعمیرگاهها می توان به آماري صحیح از وضعیت ناوگان حمل و نقل شهری پی برد و آن را با برنامه ریزی رفع کرد.

۱۰- در سال ۱۳۸۴ آموزشهایی از سوی سندیکای کارگران شرکت واحد در جهت شناخت و آگاهی از ترفندهای کارفرما در برابر اتحاد کارگران برگزار می شد. برگزاری کلاسهای آموزشی «خصوصی سازی در شرکت واحد» در جهت آگاه سازی کارگران و کارکنان شرکت در مقابل ترفند کارفرما بود، تا کارگران بدانند که با خصوصی سازی در شرکت واحد چه بلایی بر سر رانندگان و کارگران و خانواده هایشان خواهد آمد. متأسفانه یورش شوراهای فرمایشی تحت حمایت خانه کارگر باعث ناتمام ماندن این آموزش ها گردید. بطوریکه به گفته و آموزشهای مدرسان سندیکایی طرح «خودمانی سازی» شرکت واحد، یک نوع برنامه از پیش طراحی شده جهت شکستن اتحاد و انسجام مجموعه شرکت واحد بود که نتیجه کار، جز فساد و سواستفاده نخواهد بود که تا امروز گواه بر این امر است. همه ما کارگران نسبت به آموزشهای سندیکایی و درستی این گمانه زنی در عمل شاهد هستیم.

چرا مدیران بیلان کار خصوصی سازی در شرکت واحد را اعلام نمی کنند تا کارگران بدانند بر سر رانندگانی که مامور اجرای این طرح شده اند چه آمده است؟

چرا مدیران اعلام نمی کنند با اجرای این طرح خصوصی سازی چه قدر برای شرکت منافع داشته و چه میزان رانندگان را به خاک سیاه نشانده؟

در حالیکه کارگران محروم از حق مسکن جهت گرفتن حق خود به جلوی شورای شهر و شهرداری میروند با احضار و نشان دادن عکسهای گرفته شده توسط عوامل حراست اقدام به جابجایی، تغییر شیفت و ساعت کاری می نمایند و رعب و وحشت ایجاد می کنند و خود را پهلوان پنبه میدان نشان می دهند، چرا هیچ گزارشی از این خصوصی سازی ویرانگر اعلام نمی کنند .

کارگران سندیکایی مخالف خصوصی سازی و فروش اموال شرکت به قیمت نازل به باندهای مافیایی هستند.

بدانید کارگران سندیکایی چشمان تیزبین منافع کارگران و افشا کننده سو استفاده کنندگان هستند.

۱۱- دو کلام حرف حساب با مسوولین شهرداری

شهرداری تهران مدتهاست که با تمام توان ، برای خصوصی کردن شرکت واحد تلاش می کند و در این راستا بسیاری از املاک و داراییهای شرکت واحد و امکانات آنرا بفروش رسانده و ذره ای از این منابع هم به جیب کارگران نرفته است.

سؤال اینجاست: چرا مسوولین ذیربط در این باره روشنگری نمی کنند؟ چرا پاسخگوی سئوالات بیشمار کارگران شرکت واحد نیستند. مسوولین شهرداری و شرکت واحد تمام توان و هزینه خود را صرف ساکت نگه داشتن، گمراه کردن و سم پاشی علیه کارگران تلاشگر و پرسشگر می کنند. اگر اندکی از این وقت و هزینه را صرف بهبود معیشتی کارگران میکردند قطعا بسیاری از این معضلات قابل حل بود(نظیر مسکن،،،،)

مگر نه اینکه با شروع طرح خصوصی سازی آمار بیکاری، فقر ، حاشیه نشینی بالا رفته است؟

مشکل بزرگ شهرداری تهران در باب خصوصی سازی عمل کردن بدون مشورت و اندیشه با متخصصین میباشد.

مگر بغیر از اینست که با آمدن این طرح، امنیت شغلی کارگران در شرکت واحد و همه آزار و اذیت مدیران بر کارگران بیش از پیش شده است

آقایان بفرمائید چه دستاوردی در طول ۱۰ سال گذشته از باب خصوصی سازی در شرکت واحد برای کارگران ایجاد کرده اید که همچنان بر ادامه روند ناکام آن پافشاری دارید؟

همکاران ارجمند شرکت واحد بدانید این مزایا و عواقب خصوصی سازی در انتظار تک تک ما میباشد

بگوش و هوشیار باشید تا در دامن این مسئولان فرصت طلب نیفتید.

۱۲- در حالی که اخبار حیف میل هر روز در رسانه ها از شهرداری به گوش می رسد و خرج آبدارخانه بانک شهر سر به میلیارد زده است ، از پرداخت به موقع مزایای کارگران شرکت واحد خبری نیست.

با گذشت ۶ روز از مهرماه متاسفانه مسئولین شرکت واحد جوایز شاگردان ممتاز را پرداخت نکرده اند. همچنین میبایست بمناسبت اعیاد قربان و غدیر مبلغ ۲۵۰ هزار تومان بصورت شارژ کارت غیر نقدی به پرسنل شرکت واحد پرداخت گردد که متاسفانه تا امروز عدم پرداختها در حاله ای از ابهام میباشد.

مدیریت شرکت واحد به چه چیزی مشغول است؟

۱۳- یکی از معضلاتی که رانندگان BRT با آن دست و پنجه نرم می کنند ورود وسایل نقلیه دیگر به جز اتوبوس در خطوط ویژه می باشد که عمدتاً بدون داشتن مأموریت وارد خط ویژه می شوند و حتی در خطوط ویژه اقدام به تخلفاتی از قبیل سرعت و سبقت غیر مجاز می نمایند که این خود باعث بروز حوادثی می گردد. اتوبوس های شرکت واحد که همیشه سرنشین های غیر مجاز دارد و بدون ایمنی کافی داخل اتوبوس، مسافران زیادی ایستاده اند که باید توجه داشت در بین این مسافران آدمهای کم توان و یا بیمار و یا کودک نیز هم وجود دارد که متاسفانه رانندگان دیگر خودرو ها حتی پلیس هم از این موضوع گویا بی خبرند. حتی چند روزی است که شاهد این شده ایم که با وقاحت تمام خودرو های حمل موتور سیکلت در خطوط ویژه متوقف و مستقر شده اند که باعث میشوند که اتوبوس از مسیر خود منحرف شده و این نیز با توجه به طول زیاد اتوبوس باعث خطرات دیگری خواهد شد. وقتی با پلیس صحبت می کنیم پلیس می گوید که دستور است. متاسفانه مسوولین حمل و نقل و ترافیک شهری از قبیل پلیس، شهرداری و شرکت واحد از این مهم شانه خالی می کنند و فقط خطر را برای رانندگان شرکت واحد می خردند. امیدواریم مسوولین شرکت واحد با حس مسوولیت و آگاه سازی از این امر خطرناک با کمک پلیس و معاونت حمل و نقل و ترافیک شهرداری از این خطرها جلوگیری کنند.

۱۴- بیمه تکمیلی کارگران شرکت واحد و نگاه تبعیض آمیز شهرداری و مسوولین شرکت به کارگران!

شرکت واحد اتوبوسرانی به عنوان بزرگترین سازمان زیر مجموعه کارگری شهرداری چند سالی است که از بیمه تکمیلی درمان برای پوشش خدمات درمانی کارگران با شرکتهای متعددی قرار داد بسته و از کارگران هم ماهیانه مبالغی از فیش حقوقشان کسر می شود. حدود ۸۰۰۰ نفر پرسنل شرکت واحد از بیمه تکمیلی استفاده می کنند. آیا خدمات ارائه شده بیمه تکمیلی در شان این همه پرسنل شرکت می باشد؟ چرا بیمه تکمیلی در رابطه با خدمات و دندانپزشکی فقط ویزیت و عکس را پذیرا می باشد؟ مضاف بر اینکه تعدادی از پرسنل شرکت واحد توان کسر همین مبلغ از فیش هایشان را ندارند و به ناچار درخواست انصراف می دهند. شما مقایسه نمایید خدمات بیمه ای شهرداری کارمندان را با بیمه تکمیلی کارگران واحد که خود حدیثی مفصل از این نابرابری بیمه درمانی است. کارگران در کنار کارمندان (با تعداد اندکشان) کار یکسان انجام می دهند اما حقوق و مزایای بسیار متفاوتی میگیرند و هم خدمات بیمه ای متفاوتی دارند که این خود نیز حاصل عدم توجه مسوولین زیربط و نگاه از بالا به پایین آنها به قشر زحمتکش کارگران می باشد.

سؤال اینست: مدیریت شرکت واحد در طول مدیریت خود چه اقدام، هر چند نمادین در جهت کم کردن فاصله بین کارمند و کارگران جهت خدمات درمانی آنها داشته است؟

مدیریت شرکت واحد اساساً از جنس شرکت واحد نیست. کار در شرکت واحد برایشان عملی است برای کسب امتیازات ویژه از شهردار و ایشان در شرکت واحد به غیر از عکس گرفتن با کت اسپرت گرانقیمتش و نپرداختن به موضوعات اصلی هیچ گونه کاری جهت رفاه و معیشت پرسنل انجام نمی دهد.

آقای مدیر عامل فقط صحبت از ناوگان فرسوده اتوبوس و مینی بوسها به جهت گرفتن بودجه می نماید و ای کاش اشاره ای هم به فرسودگی جسمی و روحی فرسوده رانندگان و کارگران می نمود. درخواست جمعی از رانندگان بخش خصوصی جهت رساندن صدای خود به گوش مسوولین بی تفاوت.

۱۵- یکی از مشکلات رانندگان خطوط ۸۴۰۳ و ۸۴۰۲ در خط میدان رهبر، تجمع دستفروشان جهت امرارمعاش در مسیر اتوبوسهای خط مذکور می باشد که باعث می شود تردد اتوبوس ها به سختی صورت گیرد. به طوریکه در مسیر خاک سفید، خیابان امین چه به صورت رفت و برگشت اتوبوسها می بایست در وسط خیابان پارک نمایند. این موضوع در حالیست که خوروهای شخصی که در ترافیک پشت اتوبوسها قرار می گیرند بدون اینکه متوجه مشکلات رانندگان قرار گیرند با گفتن الفاظ رکیک و در مواقعی برخورد فیزیکی به جان رانندگان (که هیچگونه حمایتی از سوی مسولین نمی شوند) می افتند.

یکی دیگر از معضلات رانندگان آن خط عدم پرداخت پول نماز جمعه که مدت ۱۰ ماه از آن می گذرد، توسط شرکت خصوصی است.

با توجه به هزینه های سنگین اتوبوسهای بخش خصوصی که عمر آن به ۱۰ سال می رسد نپرداختن طلب رانندگان به معضلات آنها نیز اضافه گردیده است.

ایا گوشی برای شنیدن این رنجنامه رانندگان به جز سندیکای پرافتخار شرکت واحد هست؟

۱۶- آقای مدیر عامل ، در مورد حق بلاعوض مسکن کارگران و کارکنان شرکت واحد که حق قانونی این پرسنل تلاشگر و زحمتکش است چه اقداماتی انجام داده اید؟

از پرداخت حق بلا عوض مسکن به کارگران و کارکنان شرکت واحد که متأسفانه در دوره مدیر عامل قبلی به ناحق به گروهی از پرسنل قراردادی شرکت که کمتر از دو سال سابقه اشتغال در شرکت واحد را داشتند، تعلق گرفت. در حالی که حدود بیش از پنج هزار نفر از کارگران و کارکنانی که ثابت رسمی هستند و حداقل بیش از دوازده سال در شرکت واحد اتوبوسرانی تهران شاغل هستند نه مسکنی تعلق گرفته و نه حق بلاعوض مسکن .

آقای سنندجی برای این کارگران و پرسنلی که هیچ مبلغی و یا زمین و یا مسکنی در این مورد دریافت نکرده اند چه پاسخی دارید؟

۱۷ - مدیر عامل شرکت واحد چگونه و با حمایت کدام قدرت به تخلفات خود ادامه می دهد و به هیچکس هم پاسخگو نیست؟!

در سامانه ۵ شرکت واحد اتوبوسرانی در مورد رانندگان اجحافات زیادی صورت می گیرد که به ترتیب اعلام می گردد:

به رانندگان عصرکار شاغل در خطوط اعلام گردیده که برای شروع بکار، در صورت نداشتن هم پست صبحکار و فاقد بودن اتوبوس در مبدا خط (که آمارنویسی و ثبت آمار در آنجا انجام می گیرد) مستقیماً به دفتر رزرو سامانه ۵ مراجعه و ساعت شروع بکار خود را در آنجا ثبت کنند .

این مسئله مورد اختلاف بین رانندگان و مسئولین بهره برداری بوده، در حالی که این دستور مسوولین برخلاف شرح وظایف کارگران قید شده در احکام صادره رانندگان ثابت رسمی، تخلف محرز صددرصدی است.

دریافت اتوبوس از مسوول ردیف برای رانندگان صبحکار و تحویل اتوبوس به هنگام پایان شیفت به هم پست عصرکار و در صورت فقدان راننده عصرکار اعزام به منطقه (جدیداً منطقه به سامانه تغییر هویت داده است) و یا تحویل اتوبوس به کنترل خط (جدیداً مدیر خط) و ثبت پایان کار و تحویل اتوبوس از کنترل در مبادی خطوط و تحویل اتوبوس در پایان کار به مسوول ردیف در داخل توقفگاه منطقه برای رانندگان عصر کار اجباری شده است.

بارها این مسئله با مسوولین در میان گذاشته شده است ولی متأسفانه ترتیب اثر داده نمی شود، و نمایندگان به اصطلاح شورای اسلامی کار نیز در این مورد سکوت کرده و هیچ دفاعی از رانندگان انجام نمی دهند. چرا که از ترس قطع دریافت ۲۰ ساعت اضافه کاری و ارجاع به پست قبلی در صورت نمایندگی کارگران و درگیر شدن با کارفرما، شوراها به هر ذلتی تن میدهند.

در پایان این مسئله ذکر می گردد که:

قبلا بابت اعزام جهت آوردن اتوبوس از منطقه (سامانه) مدت ۹۰ دقیقه فرصت داده میشد که در حال حاضر تلاش مسئولین بصورت متخلفانه برای ساعت گارازی رانندگان عصر کار می باشد.

۱۸- پیرو پیگیری های قبلی درمورد استراحتگاه رانندگان سامانه ۵ شرکت واحد حدود دو ماه پیش کانکس استراحتگاه رانندگان فاقد اتوبوس (واقع در شمال توقفگاه) جایجا شده است. مجددا مسوولین سامانه از یکماه پیش اقدام به جابجایی کانکس مورد بحث نموده و به جایگاه قبلی خود برگردانده شد و برای بازسازی این کانکس اقدام به قطع برق، کولر، و برداشتن آبرسدکن و... نمودند که متاسفانه تابحال تنها کار انجام شده، سرامیک کردن کف کانکس و نصب مهتابی می باشد .

متاسفانه نصب نکردن اجاق خوراکپزی و شیشه های شکسته کانکس و بخاری برای سردی ابتدای صبح و بازسازی نکردن رنگ داخل کانکس همچنان مبهم است و معلوم نیست کی این کارها انجام خواهد گرفت.

مورد دیگر که کارگران در مورد توقفگاه مزبور اعلام میدارند شرایط ورود و خروج اتوبوسهای توقفگاه سامانه به دلیل مجاورت با کارگاه متروی تهران خاک و غبار ناشی از حفاریهای مترو تماما "به حلقوم مراجعین و خصوصا کارگران و کارکنان شاغل در سامانه می رود. ولی متأسفانه پس از مراجعات مکرر در مورد رفع نقیصه مذکور توسط مسوولین هیچ ترتیب اثری داده نمی شود. نگهبانان پست درب ورود و خروج جنوبی برای خوابیدن گرد و غبار ناشی از محیط، اقدام به آب پاشی می نمایند که نه تنها چاره کار نیست بلکه چند صباحی دیگر آسفالت این ناحیه از بین میرود و هزینه های مازادی را جدای از زیان به سلامتی کارگران و کارکنان به بیت المال، وارد خواهد کرد.

۱۹- کانال فعالین سندیکای کارگران شرکت واحد و عملکرد آن

تاسیس کانال فعالین سندیکا در چند ماه گذشته، گشایشی در جهت اطلاع رسانی، آگاهی بخشی و آموزش به کارگران زحمتکش شرکت واحد داشته است. همکاری و استقبال کارگران در شرکت واحد، و ارسال گزارشات و مواردی از تخلفات اثبات شده در مجموعه شرکت واحد و ذکر آن در کانال فعالین موجبات اصلاح برخی از تخلفات و کم کاریهای مسوولین تا امروز را گردیده است.

معضلاتی که باعث شد مدیران و مسوولین به تکاپو افتاده و تجدید نظری در رفتار، گفتار و عملکرد خود با کارکنان داشته باشند و این چیزی نیست جز نگاه تیزبین و هوشیار کارگران شرکت واحد که ضمن افشای عملکرد مدیران و مسوولین متخلف قدمی در جهت استیفای حقوق حقه خود، هرچند اندک بردارند.

مشکلات کارگران شرکت واحد در زمینه معیشتی و مسکن،،،،، جزو الویتهای کانال فعالین سندیکا می باشد و در کنار این دو بی تردید شرایط محیط کار و برخورد تبعیض آمیز مسوولین با کارگران و فساد در شرکت واحد از نگاه زحمتکشان سندیکایی دور نخواهد ماند.

کانال فعالین سندیکا با ارایه مطالب آموزشی، آشنائی با قوانین کار، راهکارهای درست پیاده شدن قوانین در شرکت واحد ضمن آگاهی بخشی به کارگران، آنان را در تمامی زمینه ها همراهی نموده و تمام تلاش و کوشش خود را جهت حل مسایل زحمتکشان با همراهی شما دوستان در شرکت واحد را دارد. همکاری و همدلی کارگران و رانندگان زحمتکش شرکت واحد، ما را هر چه بیشتر در عزم خود، جهت احقاق حقوق کارگران شرکت واحد دلگرمتر می نماید.

بزودی طی یک گزارش از دستاوردهای این کانال تا امروز خدمت مخاطبان عزیز ارایه می گردد.

آقای روحانی دست شما درد نکند!



آقای روحانی "کمتر از یک سال از واگذاری شرکت نیشکر هفت تپه به بخش خصوصی می گذرد. در این یک سال اوضاع واحوال ما کارگران به آنچنان وضعیت رقت انگیزی درآمده است که گفتن ندارد. جدا از مسائل مربوط به خصوصی شدن و نبود امنیت شغلی و روانی، تاخیرهای مکرر در پرداخت حاصل دسترنجمان که همگی برای ما کارگران مهم و حیاتی هستند با این حال مالکین جدید بعلت نداشتن هیچگونه تجربه ای در زمینه مسائل مربوط به نیشکر، آینده شغلی همه ما در هاله ای از ابهام قرار گرفته است. اینکه نمیدانیم در آینده چه سرنوشتی در انتظار ماست دست شما درد نکند با این واگذاریتان به بخش خصوصی. نیشکر هفت تپه که بزرگترین شرکت و منبع ارتزاق شمال خوزستان بود وحتا از استانهای مجاور هم در آن مشغول بکار بودند و یک زمانی در آن میتوانستی امید و شور حال زندگی را پیدا کنی و همچنین یکی از عوامل مهم و اساسی تغییر چهره منطقه از فقر و فلاکت بود امروز به آنچنان حالت نزاری افتاده است بطوریکه همه کارگران با درخواست بازنشستگی پیش از موعد بر اساس طرح زیان آور می خواهند از این همه آشفتگی و بی فردایی بگریزند. این در حالیست که در سالهای نه چندان دور اگر یک کارگر آرزوی بازنشسته شدنش را کردن، یک فحش به حساب می آمد. من به چشم خویش کارگری را دیدم با اینکه یک هفته قبل به او خبر بازنشسته شدنش را داده بودند با این حال هر روز صبح بر سرکار خود حاضر میشد. دست آخر دست به دامن نیروی انتظامی شدند. شاید اینها که می گویم برای شما مسخره باشد. اما برای یک کارگر، نگاه به شغل فقط از جنبه حقوق و معیشت نیست. بلکه کار بخش مهمی از زندگی اوست. بهترین خاطرات زندگی در بهترین سنین عمر در حین کار اتفاق می افتد. خود من زمانی که تنها به صرف فعالیت

کارگری بعد از زندان و سه سال اخراج ، با این حال هر یکی دو هفته به مزارع نیشکر می رفتم گویی بدنبال پیدا کردن گمشده ام بودم. هر گوشه اش برایم خاطره بود. اما در این جا این روحیه و این امید از بین رفته است. گویی الان تبدیل به جهنمی شده است که همه فقط به فکر فرار از آن هستند. دست شما درد نکند که شرکت نیشکر را واگذار کردی و ما را به امان خدا رها کردی. در حالیکه بسیار از مدیران دولنت حقوقهای چند صد میلیونی می گیرند و فرزندانشان سوار ماشینهای پورشه و مازاراتی و امثالهم میشوند. دست شما درد نکند ما هنوز چندرغاز حقوق پایین تر از خط فقر مرداد ماهمان را نگرفته ایم. در حالیکه کارفرمایان با تاخیر در پرداخت حقوقمان به بهانه های مختلف که همه این بهانه ها در راستای کسب سود بیشتر است اما من کارگر، نمیتوانم برای فرزند یک ماهه ام یک قوطی شیر بخرم. با اینکه شاغل هستم اما با این تاخیرها نمیتوانم بچه ام را دکتر ببرم. یا یکی نمیتواند پول توجیبی فرزند سربازش را تامین کند و دیگر خواسته های کوچک. دست شما درد نکند ما گدای حقمان شده ایم. آیا از حال و روزمان خبر دارید؟ حداقل اگر به اخبار اینلنا هم التفاتی داشته باشید می دانستید که در هفت تپه هر ماه برای نقد کردن حقوق باید اعتصاب کرد. کلی اعصاب و روان آدمی خط خطی میشود تا حقوقی پرداخت گردد. تازه این مسئله فقط منحصربه هفت تپه نیست متأسفانه در دیگر جاها هم اوضاع بدین منوال است و شاید هم بدتر. اگر در قانون کار، قرار داد دائم و قرار داد موقت پیش بینی شده است دست شما درد نکند که قرار داد سفید امضا را توسط کارفرمایان باب کردی تا هر وقت که خواستند و با هر بهانه ای و یا حتا بدون هیچ گونه بهانه ای کارگران را اخراج سازند تا این کارگران از نان شب بیفتند و هیچ فریاد رسی هم نداشته باشند. تازه دولنت به این هم اکتفا نکرده است و قصد دارند که برخی از مواد قانون کار که اندکی به نفع کارگر است را به ضررش تغییر دهند. دست مریزاد آقای روحانی. نمی خواهم وعده ها را بیادتان بیاورم چون که ما وعده سر خرمن زیاد شنیده ایم. و وعده های شما هم رویش. با این حال تحقق وعده هایتان پیشکش، لطفا اوضاعمان را بدتر از قبل نکنید. آرزویم در دولت شما، ترک فعل بهتر از فعل است.

رضارخشان ۱۳۹۵/۷/۲۱

دولت و مجلس سودای عضویت در W.T.O دارند جای خالی تعقل در لایحه اصلاح قانون کار



Photo: Kianoosh Mohebian

Iranian Labour News Agency

«عبدالله وطن‌خواه» معتقد است تیم اقتصادی دولت در سودای دستیابی به درب باغ سبزی که از سوی سازمان تجارت جهانی گشوده شده، در صدد تحریف حقوق کارگران برآمده است. به احتمال قوی دولت و مجلس به شوق پیوستن به سازمان تجارت جهانی اینطور برای اصلاح قانون کار به صرافت افتاده‌اند، غافل از اینکه گردانندگان این سازمان در قبول عضویت ایران مرددند.

اشاره این کارگرفلزکار به صحبت‌های اخیر گروهی از اعضای دموکرات و جمهوری خواه مجلس نمایندگان کنگره آمریکا برمی گردد که به تازگی خواهان مخالفت دولت این کشور با پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی شده‌اند. وی ادامه داد: البته رویای پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی یک عقبه ۲۰ ساله در میان دولتمردان ایران دارد و درست از همین زمان است که سیاست‌های تعدیل ساختاری توسط دولت‌های پس از جنگ با شدت هرچه بیشتر اجرایی شده‌است. واضح است که در چنین شرایطی حتا اگر قانون کار به مرتجع‌ترین و سیاه‌ترین وضعیت ممکن تغییر کند، باز هم کوچکترین تحولی در رونق اقتصادی کشور ایجاد نخواهد شد و فقط بر هزینه‌های ناشی از گسترش نابرابری و افزایش آسیب‌های اجتماعی در کشور می‌انجامد. منتقدان قانون کار خواسته و ناخواسته به شفیتهای سرمایه سالاری تبدیل شده‌اند و در بهترین حالت بی‌آنکه خود بدانند بالای سرقبر خالی گریه و ناله سرداده و از محتوای شوم بسته در بسته‌ای که آنرا تبلیغ می‌کنند، خبر ندارند.

وی به مروجان این اندیشه که به زعم آنها قانون کار مانعی جدی بر سر اشتغال و رونق اقتصادی تلقی می‌شود، توصیه کرد تا هشدار کارگران معترض را جدی تلقی کنند و به تابعیت کورکورانه از الگوهای شکست‌خورده اقتصادی ادامه ندهند. وطن خواه افزود: اگر دولت و مجلس به عمل عقلانی باور دارند بهتر است که هرچه زودتر برای استرداد لایحه ضد کارگری اصلاح قانون کار اقدام کنند، زیرا مرور جزء به جزء بندهای درج شده در این لایحه نشان می‌دهد که نارسایی‌های موجود را نمی‌توان بدون تشکیل جلسه شورای سه جانبه حل و فصل کرد که در آن حق چانه‌زنی گروه کارگری به رسمیت شناخته شده باشد.

او با تاکید بر اینکه اقتصاد سودا محور جهانی همواره در صدد ارزان سازی نیروی کار بوده است، افزود: بر همین اساس سازمان تجارت جهانی در مقام پیشبرنده این سیاست به دولت‌های مختلف تعدیل مقررات اشتغال را تحمیل می‌کند. به همین دلیل است که دولت یازدهم و وزارتخانه‌های متبوعش برای تبدیل وضعیت عضویت ایران از حالت موقت به دائم، در سه سال گذشته تمام تلاش خود را انجام داده است تا با بازنگری در مقررات کار و اشتغال امکان پیشبرد برنامه تامین امنیت سرمایه را فراهم کند. این نگرانی وجود دارد که دولت بعدی نیز در راستای تکمیل مجموعه تلاش‌های دولت‌های بعد از جنگ برای پیوستن به سازمان تجارت جهانی زمینه تضييع گسترده حقوق کارگران را فراهم کند و الباقی کارگران را نیز از شمول قانون کار خارج کند. سازمان تجارت جهانی در چارچوب تقسیم کار جهانی برای اعضای خود تعیین وظیفه می‌کند و تاکنون به ایران این مجال را داده است که با خودروسازان و شرکت‌های نفتی فرانسوی و آلمانی برای مونتاژ خودروهایشان همکاری کند و شاید در همین راستای ورود دوباره شرکت‌های خارجی خوردوساز و نفتی به ایران است که اینطور تلاش برای اصلاح قانون کار آغاز شده است.

این فعال صنفی کارگری با اشاره به وضعیت نامطلوب کارگران خودروسازی ها افزود: کارگران شاغل در خودروسازی‌ها قراردادهای سه ماهه دارند و علی‌رغم اینکه بهره‌وری و میزان تولیداتشان افزایش یافته فقیرتر شده‌اند زیرا سهمی از بالا رفتن بهره‌وری به این کارگران اختصاص نیافته است.

رئیس کانون انجمن های صنفی کارگری استان آذربایجان شرقی : تبانی مجلس و دولت در بحث تغییر قانون کار صدا سیما برای فرانسویها خبر رسانی نکند



Photo:Houshang Hadi

Iranian Labour News Agency

خبرگزاری ایلنا: «ناصر چمنی» در گفتگو با ایلنا با اعلام این مطلب اظهار داشت: رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس در شرایطی خبر از آغاز بررسی بند به بند لایحه اصلاحات قانون کار در هفته آینده می‌دهد که تا این لحظه هیچ دعوت نامه ای از سوی دبیرخانه مجلس برای حضور تشکل های کارگری در جلسات بررسی این لایحه فرستاده نشده است.

وی با یادآوری اینکه مجلس شورای اسلامی از ماه ها پیش مشغول بررسی لایحه اصلاحات قانون کار بود، افزود: معلوم نیست که چرا در این چند ماه مجلس با نهادهای صنفی کارگری در این رابطه حتی یک کلمه هم رایزنی نکرده است.

رئیس کانون انجمن های صنفی کارگری استان آذربایجان شرقی برخورد دولت با لایحه اصلاحات قانون کار را پوپولیستی توصیف کرد و افزود: به نظر می‌رسد که دولت و مجلس قصد دارند در تبانی باهم رویکردی پوپولیستی

اتخاذ کنند تا جامعه کارگری را در موضوع اصلاح قانون کار فریب داده و در نهایت وضع موجود بازار کار را در راستای تامین منویات سوداگران به نام نفع عمومی و رونق اقتصادی تغییر دهند. در این رویکرد برخلاف ظاهر ماجرا که مدام دم از لزوم تامین منافع کارگران و تقویت مواضع آنها به عنوان عوامل اصلی تولید زده می‌شود، فعالیت‌ها به قصد تضعیف آنان صورت می‌گیرد. حامیان این طیف فکری در دولت و مجلس حتی برای منافع آن گروه از صاحبان سرمایه‌ای که تحت عنوان کارفرما با کارگران در ارتباط هستند ارزشی قائل نیست و تمام دغدغه خود را بر تامین منافع سوداگران مالی متمرکز کرده است. در این خصوص عملکرد ۳ ساله دولت یازدهم نشان می‌دهد که نگاه سرمایه بردارانه بر نگاه سرمایه گذرانه غلبه دارد.

چمنی با بیان اینکه وزیر کار دولت یازدهم در بدو روی کار آمدنش وعده داده بود لبخند را بر روی لبان کارگران بیاورد تصریح کرد: هنگامی که دولت قصد داشت برای وزارت آقای ربیعی در مجلس رای اعتماد جمع کند از تمام تشکل‌های رسمی کارگری خواست که به میدان بیایند تا از فردی که تعلق طبقاتی او معطوف به خواستگاه کارگری است حمایت کنند اما ظاهراً بعد از آن ماجرا تمامی این تعلق خاطر به دست فراموشی سپرده شده است. قطعاً اگر کارگران از رفتارهای منفعلانه وزارت کار مانند بازپس‌گیری دستورالعمل مربوط به تعیین کف زمانی یک ساله برای قراردادهای موقت (موضوع دستور العمل شماره ۴۱) و سرنوشت لایحه اصلاح قانون کار با خبر بودند، از خود برخوردی هوشمندانه‌تر نشان می‌دادند.

وی در پایان با انتقاد از رویکرد منفعلانه صدا و سیما در قبال لایحه اصلاحات قانون کار تصریح کرد: معلوم نیست که در میان جامعه کارگری پایگاه مخاطبان صدا سیما جمهوری اسلامی ایران در کجا قرار دارد؟ جای تعجب است که رسانه فراگیر ملی این طور با دغدغه اخبار مربوط به اعتراضات و اعتصابات کارگران فرانسوی را که از اصلاح قانون کار این کشور خشمگین هستند را پوشش می‌دهد اما در تمام این مدت حتی یک سطر خیر از نارضایتی کارگران ایرانی نسبت به محتوای لایحه معیوب اصلاح قانون کار را منتشر نکرده است، انگار این مردم فرانسه هستند که هرشب پای اخبار تلویزیون ایران می‌نشینند.

یک فعال صنفی کارگران ساختمانی: با وجود تعیین محل درآمد بیمه کارگران ساختمانی ۶۰۰ هزار نفر از آنها بیمه نشده‌اند



ایلنا: به گفته یک فعال صنفی کارگران ساختمانی هم‌اکنون در سراسر کشور حدود ۶۰۰ هزار کارگر ساختمانی بیمه نشده وجود دارد که این تعداد حدود ۴۰ هزار نفر از کارگران ساختمانی استان کردستان هستند. با وجود تعیین محل درآمد بیمه کارگران ساختمانی ۶۰۰ هزار نفر از آنها بیمه نشده‌اند.

«میکائیل صدیقی» در گفتگو با ایلنا با تأکید بر اینکه انجمن‌های صنفی به روند بیمه کارگران ساختمانی معترض هستند، اظهار داشت: یک میلیون چهارصد هزار کارگر که تنها ۸۰۰ هزار نفر از آنها بیمه هستند و ۶۰۰ هزار کارگر دیگر در لیست نوبت دهی بیمه هستند.

وی با بیان اینکه مشخص نیست که درآمد سازمان تأمین اجتماعی از محل صدور مجوز پروانه ساختمان‌ها چگونه هزینه‌می‌شود، افزود: تأمین اجتماعی پول مجوز پروانه ساختمان‌ها را از کارفرمایان گرفته اما هیچ خدمتی در خصوص تکمیل شمار کارگران مشمول بیمه صورت نگرفته است.

وی تصریح کرد: سازمان تامین اجتماعی از محل حق بیمه‌های کارگران سرپا است اما معطل ماندن جمعیت کارگران ساختمانی مشمول بیمه اجتماعی اجباری، به نوعی شانه خالی کردن سازمان تامین اجتماعی از انجام وظیفه قانونی تلقی شده و یک ضعف بزرگ از دید تشکلهای کارگری است.

رئیس انجمن صنفی کارگران ساختمانی مریوان و سروآباد با اشاره به اینکه بیشترین حوادث کار در بین کارگران ساختمانی رخ می‌دهد، تصریح کرد: در سال‌های ۹۰ تا ۹۴ به ترتیب ۷۳۵، ۸۹۷، ۹۹۷، ۹۴۵ و ۱۲۰۰ کارگر بر اثر حوادث کار جان خود را از دست داده‌اند. در استان کردستان به دلیل نبود کارخانه یا واحد صنعتی دیگر تقریباً ۷۰ هزار کارگر ساختمانی مشغول به فعالیت هستند که تنها نزدیک به ۳۰ هزار نفر از آنها بیمه شده‌اند.

صدیقی بابیان اینکه برخوردار نبودن ۴۰ هزار کارگر ساختمانی دیگر از شمول حمایت‌های بیمه‌ای مصداق کم توجهی به اهالی یکی از محروم‌ترین استان‌های کشور است، ادامه داد: کارگران ساختمانی هیچ پشتوانه‌ای به غیر از بیمه ندارند و در شرایطی جان می‌دهند که سازمان تامین اجتماعی اهمیتی به بیمه کردن کارگران ساختمانی حتا از محل درآمدهای پیش بینی شده نمی‌دهد.

این فعال صنفی کارگران ساختمانی افزود: هر روز شاهد اخباری از حوادث ساختمانی در تیتراژ اصلی روزنامه‌ها کشور هستیم و این تیتراژها به صراحت مظلومت کارگران ساختمانی را نشان می‌دهد.

کارگران ساختمانی هیچ پشتوانه‌ای به غیر از بیمه ندارند و در شرایطی جان می‌دهند که سازمان تامین اجتماعی اهمیتی به بیمه کردن کارگران ساختمانی حتا از محل درآمدهای پیش بینی شده نمی‌دهد

مشکلات کارگران شیفت کار

اخبار تکان دهنده ای از حوادث کار رخ داده در کارخانه های بزرگی چون ذوب آهن، ایران خودرو، کارگران پروژه ای نفت، پتروشیمی ها در شیفت های متوالی حکایت دارد که از تبعات این گونه کارهاست و گاه در رسانه ها منتشر می شود که این همه واقعیت نیست.

هرچند آمار دقیقی از این حوادث منتشر نمی شود و در بایگانی این شرکت ها مدفون می شود اما در آخرین حادثه ای که برای دومین بار برای سرویس رفت و آمد کارگران شیفت کار ایران خودرو به دلیل خواب آلودگی راننده در شهریور ۹۵ اتفاق افتاد و دو کارگر کشته شدند ما را بر آن داشت تا موضوع مشکلات کارگران شیفت کار را بررسی کنیم.

در کارهای شیفتی به دلیل برهم خوردن زمان خواب انسانها، خستگی مفرط، افسردگی، دعوای خانوادگی، طلاق، فرزندان عصبی و در نهایت فروپاشی خانواده ها و کاهش طول عمر را در پرسش های میدانی دریافت کرده ایم.

متأسفانه در کارخانه های بزرگ برای حل این مشکلات که به عدم بهره وری لازم منتج می شود، هیچ تحقیق و راهکاری ارایه نگردیده است. آمار میدانی ما از کارخانه هایی چون ایران خودرو و ذوب آهن حاکی از این است که آمار طلاق، خستگی مفرط، افسردگی در این کارخانه ها شایع است و موضوع اعتیاد و خودکشی در میان کارگران پروژه ای به یک امر عادی بدل شده است. اکثر کارگران برای اینکه معضل خانه به دوشی و گرانی مایحتاج زندگی را حل کنند رو به اضافه کاری آورده و حتا گاه ۲ شیفت متوالی کار می کنند. در اواخر دهه ۸۰ شمسی کارگری که بیش از ۴ روز متوالی به خانه نرفته بود و بصورت شیفتی کار می کرد، در میان پالت ها به خواب رفته و توسط لیف تراک کارخانه ایران خودرو در نیمه های شب زیر گرفته شد و کشته شد.

در میان کارگران پروژه ای نفت که در جنوب ایران کار می کنند سختی کار و دوری از خانه و گرمای طاقت فرسا به کسانی که بیش از ۱۲ ساعت کار می کنند آسیب اختلالات روانی بطور روز افزونی نمایان است. این کارگران که دوری از خانواده و عقب افتادن بیش از ۴ ماه حقوق را نیز در میان مشکلات خود دارند با روحیه ای بیش از پیش خراب به افسردگی و اعتیاد و خودکشی روی می آورند.

آیا هنگام آن نرسیده که کارخانه های سودآوری همچون ایران خودرو دست به ایجاد و استخدام روانشناسانی بزنند تا با تحقیقات جامع به رفع موضوع تبعات فشارکار و شیفت های متوالی بر روی کارگران به خصوص کارگران شیفتی بکنند.

هر چند می توان با چند توصیه پزشکی بخشی از این بیماری ها را کاهش داد ، اما بودن یک تیم روان پزشک در این گونه کارخانه ها باید الزامی شود. ما به کارگران توصیه می کنیم بر طبق تحقیقات روان پزشکان از خوردن نوشابه های گازدار و داروهای خواب آور خوداری کنند. در عوض از تابش نور خورشید در صبح گاهان به مدت ۱ ساعت استفاده کرده و ۶ ساعت قبل از خواب به ورزش بپردازند تا چرخه خواب آنها توسط ساعت درونی اشان تنظیم گردیده و خواب راحت و عمیقی داشته باشند.

ما از سازمان بین المللی کار می خواهیم چون این مشکل همه کارگران در جهان می باشد، کمیته ای در این سازمان تشکیل و همه کشورهایی را که در آن کارگران بصورت شیفتی کار می کنند را ملزم به ایجاد بخش های تحقیقات ایمنی روانی کرده و کارگران مورد معاینه دوره ای روان پزشکان قرار گیرند.

ما از سازمان بین المللی کار می خواهیم این به عنوان یک حق و به صورت مقوله نامه ای جدا در سازمان بین المللی کار مصوب و به دولت‌ها ابلاغ شود. ما از فدراسیون جهانی اینداستریال می خواهیم این خواسته را در صدر پیگیری های خود بگذارد و تا نتیجه نهایی دست از پیکار بر ندارد.

تحریریه پیام سندیکا

در کارهای شیفتی به دلیل برهم خوردن زمان خواب انسانها ، خستگی مفرط، افسردگی، دعوای خانوادگی، طلاق، فرزندان عصبی و در نهایت فروپاشی خانواده ها و کاهش طول عمر را در پرسش های میدانی دریافت کرده ایم.

ارج نابود می شود ، دلال آباد می شود!



آیا مضحکه و ریاکاری نیست، که تنها هفته‌ای قبل از افشای خبر واگذاری ارج، مقداری از لوازم خانگی و الکتریکی به اصطلاح قاچاق را که احتمالا توسط رقبای قاچاقچی وارد شده، به بهانه مبارزه با قاچاق کالا و تهدید "اقتصاد مقاومتی" با جار و جنجال تبلیغاتی نابود می کنند، اما در مقابل نابودی عمدی یک کارخانه عظیم تولیدی ارج، دم بر نمی آرند؟

علیرضا محبوب دبیرکل خانه کارگر در ۳۰ شهریور ۹۵ ، خیر از گود برداری زمین ارج برای ساخت مجتمع تجاری - اداری داده است. مالک "ارج" که ظاهرا بانک ملی است، مقداری از زمین های متعلق به کارخانه را که جنب ارج قرار دارد، به "صنف فروشندگان لوازم خانگی" فروخته و قرار است واحدهای این مجتمع در حال ساخت برای ساماندهی فعالیت صنف فروشندگان لوازم خانگی مورد استفاده قرار بگیرد. ظاهرا قرار است صنف فروشندگان لوازم خانگی "یا همان بقول محبوب "عده‌ای از سوداگران" که دست بالا را در قدرت دارند، شعب برند های خارجی لوازم خانگی را بر ویرانه های یک کارخانه تولیدی ۸۰ ساله بنا نهند و در آنها همان محصولات را عرضه کنند که ده‌ها سال در ارج تولید می شدند .

اما در این میان نه برای بانک ملی ، و نه برای صنف خریدار هم ظاهرا مهم نیست که چه برسر تولید و اشتغال می آید. چند هزار نفر از کار بیکار می شوند

و یک واحد کلان تولیدی دیگر با همه تجربیات و دانش بومی اش مانند صدها واحد تولیدی و اگذار شده دیگر بدون هر شرط شروط و تعهدی از سر راه سوداگران برداشته می شود، تا جایشان را فروشگاه ها و برج ها پرکنند و شمار دیگری از آفازده ها را به قیمت فقر و فلاکت هزاران کارگر و شهروند و نابودی تولید بومی تلپارد کنند و مدیران دولتی و بانک ملی نیز حقوق های چند ده میلیونی شان را حفظ می کنند.

محبوب که خبر این واگذاری را فاش نموده، گفته است: "تجاری سازی کارخانه ارج با پاسخ قاطع مجلس روبرو می شود" اما نگفته چگونه قرار است مجلس این پاسخ قاطع را بدهد!

با این وصف اما این نماینده سربزیر و کم سروصدای مجلس که ده ها سال تجربه نمایندگی در مجلس را دارد خودش بهتر از هر کس می داند که تهدیدش تا چه حد توخالی است. اما چون هم در پی درست کردن کارنامه برای خویش است، و هم از طرف برخی از اعضای شوراهای اسلامی کار و کارگران بیکار شده ارج برای نشان دادن واکنش تحت فشار قرار دارد، به این صورت نسبت به این قضیه واکنش نشان داده است. اما خواست کارگران ارج از کسی که مدعی نمایندگی کارگران در مجلس است بیش از یک تهدید بی پشتوانه توخالی و سرخرمنی است. کارگران از او انتظار عمل دارند.

مگر از میان صدها واحد تولیدی و اگذار شده سرنوشت چند تایشان بهتر از ارج بوده است؟ مگر واگذاری ها بدون نظر و تصویب مقررات و قانون در مجلس انجام شده؟ مگر مجلس تاکنون در چند مورد "برخورد قاطع" با پیامدهای چنین واگذاری هایی از خودش نشان داده است، که کسی در انتظار دومی اش باشد؟

"ارج"، مشت نمونه خروار است. مگر تضمینی وجود دارد که سرنوشت ۲۰۱ واحدی که بنا به گفته "جعفر سبحانی" مشاور رییس سازمان خصوصی سازی، قرار است در نیمه دوم سال جاری واگذار شوند، بهتر از ارج باشد؟

اسداله صادقی دبیر سابق سندیکای کارگران فلزکارمکانیک

جزئیات طرح لایحه اصلاح قانون کار

لایحه پیشنهادی اصلاح قانون کار توسط دولت روحانی در واقع در ادامه روند تعدیل اقتصادی و سیاستهای ضدکارگری دولت‌های گذشته است. سیاستهایی که از دوران ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی با قانون خارج کردن واحدهای تولیدی زیر ده نفر از شمول قانون کار آغاز و با سیاست آزادسازی قیمت‌های دولت اصولگرا ادامه پیدا کرد. قابل‌تامل‌ترین قسمت این اصلاحیه، اصلاحیه بر ماده ۴۱ قانون کار است. ماده ۴۱ قانون کار می‌گوید شورای عالی کار همه ساله موظف است موارد ذیل را جهت تعیین حداقل دستمزد کارگران لحاظ نماید: ۱ - درصد تورم رسمی از سوی مراکز ذی‌صلاح ۲- تامین معیشت یک خانواده که متوسط اعضای آن توسط مراجع ذی‌صلاح اعلام میشوند ۳- شرایط اقتصادی کشور.

در واقع بند اضافه شده به ماده ۴۱ قانون کار همین بند ۳ یعنی لحاظ کردن شرایط اقتصادی کشور در تعیین حداقل دستمزد کارگران است.

تورم رسمی: بند ۱ ماده ۴۱ قانون کار می‌گوید حداقل دستمزد میبایست متناسب با نرخ تورم اعلام شده مراجع ذی‌صلاح مثل بانک مرکزی و نهادهای دولتی از این دست باشد. نکته قابل‌تامل اینجاست که بخش قابل‌ملاحظه‌ای از خود اقتصاددانان و صاحب‌نظران اقتصادی دولتی نیز به این اصل غیر قابل‌کتمان اذعان دارند که نرخ تورم اعلام شده بانک مرکزی و نهادهای آماری وابسته به دولت همخوانی چندانی با واقعیات موجود در جامعه ندارد. در همین سالهای اخیر زمانی که مدام قیمت سبد هزینه‌های خانواده به طور فزاینده‌ای بالا می‌رفت، دولت و بانک مرکزی نرخ تورم را بین ۱۰ تا ۱۲ درصد اعلام میکردند. این ارقام اعلام شده حتی بین رییس‌جمهورهای گذشته و حال در نظام جمهوری اسلامی دستمایه کشمکش‌ها و درگیری‌های لفظی زیادی شده است. بطوری که نرخ تورم اعلام شده توسط دولت احمدی‌نژاد با نرخ تورم اعلام شده توسط دولت حسن روحانی تفاوت قابل‌ملاحظه‌ای داشت. حتا زمانی که دولت در ماههای اخیر از کاهش نرخ تورم خبر میدهد این کاهش نرخ تورم مربوط به کالاهای اساسی که مربوط به زندگی طبقه کارگر است نمی‌شود.

برای کارگران مثل روز روشن است که نرخ تورمی که دولت اعلام میکند سرپوشی بر واقعیت موجود و لاپوشانی فقر و فلاکت زندگی کارگران است.

۲-تامین معیشت یک خانواده با این دستمزد !

طبق گفته خود مسئولین ذی‌ربط بند دوم ماده ۴۱ قانون کار در این سه دهه به کل کنار گذاشته شده و هرگز به مرحله اجرا درنیامده است. تعیین حداقل دستمزد کارگران طبق هزینه متوسط اعضای آن در جامعه با حداقل دستمزد اعلام شده توسط دولت (یعنی ۸۲۰۰۰۰ تومان) فاجعه‌ای است که گریبان طبقه کارگر را گرفته است. علی‌حدایی یکی از اعضای شورای عالی کار در مصاحبه‌ی اخیر خود در این رابطه اذعان داشت که «شرط دوم یعنی محاسبه سبد معیشت خانوار و تعیین حداقل دستمزد براساس آن حداقل در دو دهه گذشته اجرایی نشده است و افزودن شرط جدید بر نگرانی کارگران افزوده است». طبق آمارهای مقامات دولتی و کارشناسان وابسته به نهادهای سرمایه‌داری، متوسط هزینه زندگی یک خانواده چهار نفره رقمی بین دو تا سه میلیون تومان است و حداقل دستمزد کارگر سه تا چهار برابر زیر خط فقر است. بسیاری از کنشگران و فعالین طبقه کارگر به دلیل طرح این دو مطالبه یعنی تعیین حداقل دستمزد بر اساس نرخ تورم واقعی و همچنین طرح مطالبه افزایش دستمزد بصورتی که یک خانواده بتواند یک زندگی استاندارد و بی‌دغدغه داشته باشد توسط نهادهای امنیتی و قضایی سرکوب و روانه زندان شدند.

و اما بند سوم: دو شرط اول قانون کار برای تعیین حداقل دستمزد کارگران دستمایه دردرس و گرفتاریهای پی‌درپی برای دولت‌های پیشین بوده و هست. اینکه دستمزدهای تعیین شده توسط دولت نه خوانایی با نرخ تورم واقعی در جامعه و نه ربطی به نرخ متوسط هزینه‌های زندگی استاندارد در جامعه ندارد، برای طبقه کارگر و هر انسان منصفی در جامعه اصلی غیر قابل انکار است. در تمامی این سالها نیز این شرایط اقتصادی کشور بود که به عنوان شرط مهم و اساسی در تعیین دستمزد کارگران لحاظ میشد و در واقع به عنوان بند نامرئی قانون کار همیشه در این سه دهه لحاظ می‌شد، و هر باری که دولت و نمایندگان فرمایشی آنها مثل شوراهای اسلامی کار با این مطالبه روبرو میشدند که چرا دولت در تعیین دستمزد مطابق قانون خودش عمل نمی‌کند

جوابی که میدادند این بود که کشور در اوضاع مناسبی به لحاظ اقتصادی نیست، فعلا دوران رکود را میگذرانیم و یا کشور در تحریم است و... کاری که دولت اعتدال با کمال وقاحت قصد انجام آن را دارد، قانونی کردن و در واقع علنی کردن استدلال همیشگی دولت‌های حال و گذشته در جمهوری اسلامی است. تا از این رهگذر بتواند با بهانه‌های مختلف به معیشت طبقه کارگر حمله کند و بتواند قیمت نیروی کار را برای جلب سرمایه‌داران داخلی و خارجی جهت سرمایه‌گذاری در داخل کشور در سطح نازلی نگاه دارد.

در آخر دولت‌های گذشته و حال چه اصولگرا و چه اصلاح‌طلب و چه نسخه‌ی درهم دولت اعتدال، عملکرد مشابهی در تحمیل بی‌حقوقی و فقر و فلاکت به طبقه کارگر داشته و دارند. از سیاست بیکارسازی‌های گسترده (که جز لایتجزای سیاست سرمایه‌داری در جهت تشدید هرچه بیشتر رقابت در میان صفوف کارگران است) تا یورش چماق به‌دستان دولتی به تشکل‌های مستقل کارگران، تنها گوشه‌ای از پرونده سیاه این دولتهاست. میبایست پاسخ درخوری به این قسم سیاست‌های ضد کارگری دولت داد. میبایست این طرح ضدکارگری دولت در تمام ابعاد آن بررسی و عواقب سیاست‌های اینچینی در محافل و جریانات کارگری محمل بحث و اعتراض باشد. طبقه کارگر تا زمانی که پراکنده است نمیتواند صف عظیمی برای مقابله با تعرض هر روزه نظام سرمایه‌داری به هستی‌اش تشکیل دهد.

نویدغلامی کارگر کارخانه

سندیکاهای کارگری مخالف هرگونه برده سازی کارگران به بهانه ایجاد اشتغال هستند.

سندیکاهای کارگری خواهان باز پس گیری لایحه نابودی قانون کار و خواهان قانون کاری برای بهبود شرایط زندگی، دستمزد و اعتصاب هستند.

تروریسم، زاییده فقر است!

چندی است در خبرها از عناصر داعش که در کشورمان کشته می شوند خبرهایی هرچند کوتاه در رسانه ها منتشر می شود. نشریه پیام سندیکا در سال گذشته خبری منتشر نمود که چگونه عناصر تندرو در نخل تقی (شهرکی است چسبیده به عسلویه) به کارگران حمله کرده و آنها را مورد ضرب و شتم قرار می دهند. در همان خبر اعلام کردیم که فقر در استانهای نفت خیز باعث جذب جوانان بیکار به عناصر تندرو و تجزیه طلب می شود.

اتحادیه نیروی کار پروژه ای ایران نیز در اطلاعیه ای در ۲۰ مهر ۹۴ اعلام کرد: « پولهای وهابی های آن سوی آب برای شافعی های فقیر این سوی آب برای تدارک مقدمات تشکیل خانواده در میان جوانان، توسط امام های جماعت روند این ناهنجاری ها را شدت بخشید، آیا بذر و هسته ی گروه های داعشی بدین وسیله در ایران در حال پاشیدن است؟! این روند را با هیچ بگیر و به بندی نمی توان سرکوب کرد و مانع گسترش آن شد. زیرا ریشه این روند در بی عدالتی اقتصادی است که دولت های پس از جنگ به صورت خزنده و با حذف غیر قانونی اصل ۴۴ قانون اساسی ایران انجام داده اند»

داعش و یا تروریسم در کشورهای فقیر و مصیبت زده با اجرای دستورات صندوق بین المللی پول پدیدار می شوند. این کشورها دارای آموزش و پرورشی بی بضاعت و بدون آموزش های اجتماعی هستند. داعش با پول و یا تحریک احساسات قومی آنان را به خدمت می گیرند. سالهاست که در بلوچستان، ایلام، کرمانشاه که از استانهای فقیر هستند تروریست ها نیرو می گیرند. برای مقابله با این تروریسم چه باید کرد؟ آیا تنها انهدام این شبکه ها مانع از ایجاد شبکه های تروریستی در سایر نقاط خواهد شد؟ آیا مدیران امنیتی از خود پرسیده اند که چرا جوانان به این گروهها می پیوندند و چاره چیست؟

بی تردید بازجویان امنیتی از این جوانان که عمر خود را به آتش سپرده اند بارها پرسیده اند که چرا به سمت تروریسم رفته اند. کاش این مصاحبه ها جهت واکاوی در اختیار جامعه شناسان و مدیران جامعه قرار می گرفت تا

آنان نیز متوجه می شدند که این جوانان نگون بخت به دلیل فقر به سمت این گروه‌ها رفته اند.

در استانهای جنوبی با توجه به فقر شدید، سطح آموزشی ناکافی و بخصوص پولی شدن آموزش و فاصله طبقاتی که در آموزش پدید آمده و بیکاری شدید، عواملی است که جوانان پر انرژی ما را به سمت کارهای تروریستی می راند. برای مقابله با تروریسم از هر نوع آن چه داعشی چه القاعده ای چه طالبانی و اعتیاد، سرقت، ولگردان خیابانی، ... تنها باید با افزایش سطح آگاهی مردم و آموزش از پایه های دبستان به کودکان و هم چنین مبارزه قاطع با فساد اداری و بیکاری جوانان ریشه این بیماری را خشکاند.

همه مردم ایران و بخصوص مدیران جامعه نباید اجازه دهند که از ناآگاهی و فقر جوانان مان سو استفاده گردد.

چهره دیگر داعش را می توان در ناهنجاری های گسترده در جامعه دید. از زورگیری، دزدی، قاچاق، خانه های فساد... اینها نیروی ذخیره داعش هستند که در جامعه بصورت پراکنده فعالند و هرآن می توانند در خدمت عناصر پلید تروریستی قرار بگیرند.

کاهش فاصله طبقاتی، رایگان شدن آموزش و درمان، رفع بیکاری، مبارزه قاطع با فساد منجر به شکست تروریسم و تفکر تروریستی خواهد بود.

تحریریه نشریه کارگری پیام سندیکا



تجمع کارگران مقابل مجلس در اعتراض به لایحه اصلاح قانون کار

کارگران خواهان اجرای ماده ۴۱ قانون کار برای افزایش دستمزدها، برچیده شدن قراردادهای موقت، حق برپایی تشکل های مستقل کارگری و ایجاد تغییرات مناسب در قانون کار به نفع یک زندگی انسانی برای تمامی کارگران و همه ای مزدبگیران زحمتکش هستند.

به گفته فعالین کارگری در صورت موافقت نمایندگان مجلس با مفاد لایحه مذکور، اخراجهای دسته جمعی صورت قانونی پیدا خواهد کرد، قراردادهای شفاهی به مرور جایگزین قراردادهای کتبی خواهد شد و هر گونه قانونمندی از روی ساعات کار، تعطیلات، مرخصی ها، بیمه و... برداشته خواهد شد.

در صورت قانون قلمداد شدن این لایحه، پایه های قانون تامین اجتماعی متزلزل خواهد شد و دیری نخواهد پائید که همین حداقلهای موجود نیز مضمحل شوند.

انجمن کارگران ساختمانی مریوان و سروآباد در کنار تمامی کارگران و فعالین کارگری ایران خواستار متوقف شدن این لایحه ضد کارگری در کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی می باشد.

روابط عمومی انجمن کارگران و استادکاران ساختمانی مریوان و سروآباد

ساعات رفت و آمد روزانه کارگران جزو ساعات کاری آنها محسوب شود!

ایلنا: دادگاه عالی اروپا رای داد که ساعات رفت و آمد روزانه کارگران جزو ساعات کاری آنها محسوب شود.

در حالی که در ایران، مجلس در صدد بررسی لایحه اصلاح قانون کار بر خلاف مصالح جمعی کارگران است، دادگاه عالی اروپا به تازگی رای صادر کرده است که برای بسیاری از کارگران اروپا نیز تازگی دارد.

براساس این رای، زمانی که کارگران در هر روز صرف رفت و آمد از منزل به محل کار و برعکس می کنند، جزء ساعات کاری روزانه آنها محسوب می شود. براساس این تصمیم جدید، اگر کارگری در زمان تعطیلات دچار مریضی شود، می تواند از کارفرما در ازای آن درخواست مرخصی اضافه سالانه نماید.

همچنین کارگرانی که محل کار ثابت ندارند و دفتری نیستند، ساعات جابجا شدنشان جزو ساعات کار محسوب می شود.

شورای شهر شریک دزد و رفیق قافله

کارگران و زحمتکشان شرکت واحد، تاخت و تاز شهرداری تهران در بدل و بخشش اموال مردم تهران در نبود نهادهای نظارتی مانند شورای شهر (که قبلاً خریداری شده اند) سر از مجلس شورا در آورد. قالیباف برای رسیدن به اهداف بلند پروانه خود بی محابا دست به حراج شهر تهران و اموال مردم می زند. ایشان به قیمت مرگ شهر تهران وقیحانه پیشنهاد رشوه به نمایندگان مجلس (کارت ۵۰۰ هزار تومان) به نمایندگان مردم در مجلس می دهد.

آقای شهردار، آقای دکتر و مهندس، آقای خلبان، دستان آلوده به فساد جنابعالی در حراج اموال مردم، کارگران را به خاک سیاه نشانده است.

کارگران شرکت واحد سالهاست بدنبال حق مسکن خود جلوی دفتر شما با زن و بچه اجتماع میکنند آنوقت شما به جای پاسخگویی به این قشر ضعیف بدنبال مطامع خود در کرسیهای بالاتر هستید؟ کارگران به درستی عدم پاسخگویی شما را فهمیده اند. شما نمایندگان شورای شهر را که تنها نهاد نظارتی بروی اعمال شماست، مدتهاست خریده ای و به گمان کارگران بهترین تخصص شما فقط دادن رشوه است تا راحتتر کارگران شرکت واحد را سرکوب و آنها را بداونید. بیش از ۱۸ روز از آغاز سال تحصیلی می گذرد و دادن جوایز شاگردان ممتاز و تحویل لباس فرم پرسنل به تاخیر افتاده است. مسوولین شرکت واحد میگویند بودجه نیست. آیا بودجه فقط برای کارگران نیست؟ مگر با این روش مدیریتی می گذارید بودجه ای هم بماند.

خانوم معصوم آباد، سکوت شما و دیگر نمایندگان شورای شهر در مقابل فسادهای شهرداری تهران و عدم پیگیری و پاسخگویی، کارگران را ذله کرده است. بترسید از زمانی که ندای حق کارگران دوباره در مقابل شورای شهر طنین انداز شود. کارگران سندیکایی شما را وادار به پاسخگویی و دادن حقوق کارگران خواهند نمود.

منبع کانال تلگرامی فعالین سندیکای کارگران شرکت واحد

آنچه بر تاکسیرانی تهران گذشته و می گذرد!

رانندگی با تاکسی تاریخی بیش از ۷۰ سال در تهران داشته و تشکیلات تاکسیرانی هم قدمتی ۶۰ ساله دارد. تشکیلات تاکسیرانی و به ویژه اتحادیه رانندگان تاکسی در دهه ۴۰ و ۵۰ از اعتبار خاصی میان رانندگان برخوردار بود. بخصوص با اعتصاب در سال ۴۰ که باعث افزایش کرایه تاکسی و قدرتمندی اتحادیه گردید. اهمیت رانندگی تاکسی و سختی این کار باعث شده بود که رژیم گذشته کمک های شایانی به اتحادیه رانندگان تاکسی و تشکیلات تاکسیرانی بنماید. بطوریکه تاکسی فرسوده رانندگان با تاکسی صفر با حداقل قیمت تعویض می گردید و در مقطعی از زمان پس از تبدیل تاکسی فرسوده به تاکسی صفر کیلومتر، با تبدیل تاکسی قدیمی به پلاک شخصی و فروش آن سودی نیز عاید راننده تاکسی می گردید.

قدرتمندی اتحادیه و تعاونی رانندگان تاکسی تا بدانجا بود که بخش وسیعی از منطقه جنوب شرقی انتهای خیابان پیروزی با کاربری های مختلف از جمله مسکونی، فرهنگی، تجاری در اختیار اتحادیه رانندگان تاکسی قرار گرفته بود. در سالهای بعد خرید کارخانه کیان تایر (البرز کنونی) کارخانه لاستیک دنا، پخش فرآورده های نفتی را نیز در بر گرفت. لاستیک ارزان، روغن مرغوب و با قیمت نازل و حتا تعمیرگاههای که بصورت قسطی مبادرت به تعمیراساسی موتور تاکسی می کرد و ضامن پرداختش هم اتحادیه رانندگان تاکسی بود را شامل گردید.

متأسفانه با آمدن باندهای مافیایی و انحلال غیرقانونی اتحادیه رانندگان تاکسی در سال ۱۳۶۴ ، بخش بزرگی از دستاوردها و خدماتی که به رانندگان عرضه می شد از بین رفت و اموال رانندگان تاکسی که در تعاونی و اتحادیه از حق عضویت ها اندوخته شده بود، حیف و میل گردید و هنوز هم هیچ

مرجعی پاسخگو نیست که این اندوخته های رانندگان تاکسی چه شد و هیچگاه هم بیلان مالی نداند.

یکی از دستاورد های اتحادیه رانندگان تاکسی بیمه نمودن رانندگان بود که هنوز هم ادامه دارد منتها با این اختلاف که هم اکنون ۳ ماه حق بیمه رانندگان به سازمان تامین اجتماعی پرداخت نشده است و یک ماه هم کارفرما به رانندگان حق بیمه اسفند را بدهکار است.

رانندگان تاکسی می پرسند آیا انقلاب شد که اموال رانندگان تاکسی که با حق عضویت های خود در تعاونی و اتحادیه رانندگان تاکسی اندوخته شده بود پایمال گردد؟ و به عوض خدمت رسانی، مافیایی به سرکار بیاید که پول حق بیمه رانندگان تاکسی را به سازمان تامین اجتماعی پرداخت نکند؟

رانندگان تاکسی به حق خواهان:

۱- روشن شدن اموال اتحادیه و تعاونی رانندگان تاکسی. ۲- خواهان بازگشایی اتحادیه قدرتمند و محبوب خود که پدرانشان با حق عضویت های ناچیز خود آن را بنا کرده بودند، هستند. ۳- خواهان نظارت جدی بازرسی کل کشور بر چرایی عدم پرداخت حق بیمه رانندگان تاکسی به تامین اجتماعی هستند.

«پدیده های شومی چون کودک کار ، کارتن خوابی، اعتیاد و تن فروشی نتیجه سیستم ضد کارگری سرمایه داری کنونی کشور است»

«کودک کار، اعتیاد، کارتن خوابی، تن فروشی ، فقر، بیکاری و فساد از مشکلات جامعه ماست .. برای رفع این مشکلات به سندیکاهای کارگری بپیوندید»

سخنی با والدین در شروع سال تحصیلی جدید

سالهاست که در مقاطع مختلف تحصیلی، در بین دروس مدارس و دانشگاهها جای درس آشنایی با حقوق مدنی و شهروندی خالیست که به گمان نگارنده، شاید مهمترین درسی باشد که حتی در بین کتب مختلف درسی اشاره ای هم بدان نشده در باب آشنائی فرزندانمان به حقوق اولیه خود یا همان حقوق شهروندی می باشد و در نبود جای خالی آن در مدارس نقش والدین در آشنا کردن کودکانمان با حقوق شهروندی خود آشکارا به چشم می آید. سؤال اینست چرا فرزندانمان فرزندان پرستگر نیستند؟ چرا فرزندانمان باید ساکت و بدون آشنا به حقوق خود باشند؟ حرف حساب نگارنده این است که ما کارگران نباید از وظیفه خطیر خود در رابطه با تربیت فرزندانمان سلب مسوولیت کنیم و همه چیز را در بازگشایی مدارس به عهده آموزش و پرورش قرار دهیم.

اگر بخواهیم عادت به ظلم پذیری را در فرزندانمان از بین ببریم باید از همان کودکی، فرزندانمان را با حقوق شهروندیشان آشنا کرده و از آنها انسانهای منتقد، پرسشگر و ظلم ستیز بار بیاوریم.

فرزندانمان باید بیاموزند که در سرنوشت خود و کشورشان نقش داشته و مشارکت داشته باشند. سندیکای کارگران شرکت واحد به تمامی کارگران توصیه موجد دارد که ضمن آشنائی فرزندانمان با دروس کلاسیک و مدرسه ای جبر و هندسه و علوم باید به فرزندانمان درس آزادی و آزادگی را داد، زیرا در پرتو این آموزش می توان به قتل رفیع دانش دست یافت و در نبود این دو جز خواری، خفت چیزی نصیب فرزندانمان نخواهد شد.

راننده شرکت واحد امضا محفوظ

این دیگر چه رفتاری است !!!؟؟

هزاران هزار متر پارچه سیاه می‌خرند و شهر را سیاه پوش می‌کنند برای نزدیکی به خدا!!!!!! آنکه هزاران هزار کودک در سطح شهرشان با لباس‌های پاره!!! دست فروشی میکنند

در ۱۰ روز میلیون‌ها ظرف از غذا برای رضای خدا!!! به یکدیگر هدیه میدهند، آنگاه هزاران نفر در چند شب بعد شب را با شکم گرسنه صبح می‌کنند.

لباس نو مشکی می‌خرند!!! برای اینکه بگویند ناراحت اند!!! و لباس رنگی نمی‌پوشند..، اما نمی‌بینند هزاران کارتن خوابی که قرار است سرمای زمستان را بی‌رخت و لباس در خیابان‌ها بسر ببرند.

میلیون‌ها تومان تجهیزات می‌خرند برای اینکه در آن حرف از عدالت و خدا و بهشت و جهنم صحبت کنند!!! زمانی که بعضی از کودکان شهرشان پول خرید تجهیزات اولیه تحصیلشان را ندارند!!!

ساعت‌ها برای با غیرت بودن کسی گریه میکنند.... اما با دیدن کودکان گرسنه و زنایی که برای لقمه نانی تن خود را می‌فروشند غیرتی نمی‌شوند.

یک تکه پارچه را به یک تکه آهن میکشند و برایشان مقدس می‌شود... اما قدرت تفکرشان هیچ وقت به این مرحله نمی‌رسد که هموطن بیکارش را درک کند.

هزاران لیتر شیر را به بهانه نخوردن شیر کودکی در هزاران سال قبل در دو روز بین هم دیگر تقسیم میکنند!!! چندی بعد کودکان شهرشان به دلیل تغذیه نامناسب دچار هزاران نوع مریضی میشوند

و....

از رهبران سندیکایی بیاموزیم!



سندیکای بافنده سوزنی همسایه سندیکای ما بود. اغلب اعضای هیات مدیره ها با هم دوست بودند. اعضای هیات مدیره بافنده سوزنی تا آنجا که یادم هست آقایان طبرسی، کریمی، درودیان، برادران مرحمتی، محمد جانجانیان را شامل می شد. تعاونی سندیکای بافنده سوزنی هم توسط آقای طهماسبی و علی دوستی و علی کریمی اداره می شد. متأسفانه اعضا دیگر تعاونی را به خاطر ندارم. البته گاهی در مجمع های سالیانه فعالین تعاونی در هیات مدیره سندیکا شرکت می کردند و بر عکس. ولی آقای طهماسبی در امر تعاون اطلاعات بیشتری داشت. در جریان انقلاب ۵۷ ایشان دوستی نزدیکتری با من پیدا کرد و بخاطر کتک مفصلی که در کاروانسرا سنگی به همراه سران جبهه ملی خورده بود در محیط کارگاههای کوچک خیابان جمهوری شناخته شده و مورد محبت کارگران قرار داشت.

یک روز سر درد دل او از همکاران سندیکاییش باز شد و به من گفت: «این ها خیلی سخت می گیرند و با من رفتار خوبی نداشتند.» او گفت: «شرکت فلان که منسوب به شاپور غلامرضا برادرشاه بود کارگزارانش اعتصاب کردند. تعداد کارگران نزدیک به ۵۰ نفر بود. چونکه شرکت مدیریت جدیدی پیدا کرده بود، تصمیم گرفت کارگران را تحت سلطه در آورد. اول همگی را اخراج کردند تا دوباره تحت فرمان ها را استخدام کنند. کارگران اول به سندیکا شکایت

کردند. میانجیگری سندیکا را کارفرما برنتابید. آنچه را که قانون و وظیفه کارفرما گفته شده بود را نیز نپذیرفت. شکایت به وزارت کار رفت و نمایندگان سندیکا هم در کنار کارگران و با سمت وکالت آنها را همراهی می کردند»

طهماسبی گفت: «من ضمن اینکه به همراه دو نفر از اعضای هیات مدیره ماموریت داشتم تا از طرف سندیکا به همراه کارگران در جلسات وزارت کار شرکت کنم. گفتگوی خاصی هم از طرف کارگران با من شده بود. با این مضمون که اگر شما وقت بیشتری برای ما به عنوان وکیل و قانون دان بگذارید و در جلسات ما شرکت کنی و آدم های دو دل را به پیگیری شکایت ترغیب کنی یا وقت های بیشتری برای آموزش قانون برای ما بگذاری، در صورت موفقیت درصدی از مزایای دریافتی را به شما می پردازیم، چونکه از وقت کار روزانه ات می زنی و بکار ما میرسی. ۴ درصد توافق شد و من روزهای زیادی به همراه آنها به وزارت کار رفتم یا در قهوه خانه ها جلسات آموزشی گذاشتم که دقیقن حق قانونی چیست؟ سرانجام به نتیجه رسیدیم. آنها بعداز دریافت چک مزایای قانونی و حقوق معوقه به سندیکا آمده و خواستند که با من تسویه کنند. بچه های هیات مدیره متوجه شدند که من با کارگران جلسه خصوصی گذاشته ام. موضوع را جویا شدند. من قضیه را توضیح دادم. آنها به شدت عصبانی شدند. می گفتند وقتی کارگرا سندیکا دارند و حق عضویت می دهند نباید درصدی از حق قانونی خودشان را به کسی بابت راهنمایی و همراهی بدهند. حرف من این بود که من سه ماه کارم را زمین گذاشتم و تمام وقتم را برای آنها صرف کردم طرف آنها وکیل شاپور غلامرضا بود و من به کمک سندیکا از عهده ی او برآمدم و تمام مزایای قانونی آنها را گرفتم. اگر این قرار نبود کارم را تعطیل نمی کردم. من که درآمدمی به جز کار روزانه بافندگی ندارم. برای این قرار بود که، قرض کردم و خرج کردم و دنبال این ها رفتم.

ولی سندیکا جلسه فوق العاده گذاشت و من با رای اکثریت هیات مدیره به تخطی از وظایف سندیکا محکوم شدم. کارگران درصدی را که با من قرار گذاشته بودند را به صندوق سندیکا ریختند. هیات مدیره موافق این کار نبود، ولی آنها گفتند چون ما این مبلغ را برای وکالت ایشان در نظر گرفته بودیم، باید بپردازیم.»

طهماسبی گفت: «آقای طبرسی که از همه با سابقه تر و پیر سندیکا بود گفت: این اتحاد کارگران بود و ترس از اعتصاب همه کارگران بافنده که ممکن بود به کمک این کارخانه بیایند، کارگران را پیروز کرد و نه تنها فعالیت طهماسبی. البته ایشان به مدت ۳ ماه تمام وقت خودش را صرف این مشکل کرده و طبیعتاًن مبالغی قرض کرده و بدهکار است. سندیکا مبلغی به جهت پرداخت بدهی های ایشان باید بپردازد. که تصویب شد و پرداختند. آقای طبرسی به من (طهماسبی) گفتند: ببین، پسر مبارزه خصلت جمعی دارد و اگر در زندگی بخواهی تک روی کنی حتمن مغلوب خواهی شد. به هیات مدیره هم تاکید کردند که موضوع کاملن محرمانه بماند و مسایلی از این دست جایی درز نکند، چون خیلی از افراد ممکن است اشتباهات و یا ضعف هایی داشته باشند این وظیفه رهبران و فعالین هیات مدیره است که ضعف او را گوشزد کرده در دراز مدت و یا کوتاه مدت از بین ببرند. کسی که توسط کارگران به عنوان نماینده انتخاب شده حتمن شخصیت موجهی دارد، عیب هایی هم ممکن است داشته باشد که با تلاش جمع رفع خواهد شد. ما وظیفه داریم در مسیر رشد به یکدیگر کمک کنیم»

این موضوع در سندیکای بافنده سوزنی محفوظ و مکتوم مانده بود تا خود آقای طهماسبی سال ۵۷ برای من تعریف کرد.

محمد فراهانی عضو سابق سندیکای کارگران خیاط تهران

«سندیکای کارگران فلزکارمکانیک برای تصویب قانونی که کارفرمایان را مجبور به پرداخت به موقع دستمزد کارگران به نماید می کوشند»

«ما خواهان مجازات کارفرمایانی هستیم که حقوق کارگران را ماهها نمی پردازند»

تابستان «سعید» چگونه گذشت؟



«سعید» در کلاس انشای مهرماه امسالش از تابستانی خواهد نوشت که در کوره های داغ آجرپزی گذشت. از روزهایی که هزار آجر سنگین را با دستان کوچکش جا به جا کرد، فقط برای ۲ هزار و ۵۰۰ تومان!

اطراف شهر اصفهان زیادند، کوره های آجرپزی. کوره های خانوادگی که از لگدمال کردن گل بگیر تا پختن آجر در آتش را خودشان انجام می دهند. کوره ها پُر اند از بچه هایی که تابستانشان به «دپو» کردن آجر می گذرد، در میان این بچه ها اما خبری از صدای خنده و بازی های کودکانه نیست. هرچه هست، کار است و مردانگی. این کوره های آجرپزی زمستان ها خاموش اند، اما تابستان که می شود، طبقه کارگر و آنها که دستشان کمتر می رسد، به همراه اعضای خانواده شان راهی کوره ها می شوند. کسانی که خانه ای از خود ندارند، آجر می سازند برای خانه های دیگران. تا پایان ماه شهریور کارشان همنشینی با خاک، گل و آتش زیر آفتاب داغ است.

سعید روی آجرهای دپو شده می نشیند و دست هایش را به عکاس نشان می دهد. سعید یکی از همان بچه هایی است که صبح و عصر در کوره کار می کند. وظیفه اش جمع کردن آجر گلی خشک شده و انبار کردن آن برای خشک شدن

کامل است. ۱۰ ساله است با این نگاه مردانه و صبور. او هر روز برای کارگری به کوره می‌آید. زیر آفتاب داغ که بدجوری هم پوست صورتش را سوزانده آجرها را روی هم می‌گذارد تا روزگارش را بنا کند. آن‌هایی که از نزدیک او را دیده‌اند، می‌گویند، سعید اهل اعتراض نیست. از همان اول صبح که به کوره می‌آید، فقط کار می‌کند و کار.

شاید ما به سعید بگویم «کودک ۱۰ ساله» اما او فقط عنوان کودک را یدک می‌کشد؛ مردی است، برای خودش. سعید و امثال او در ازای دیو کردن هر هزار آجر که وزن زیادی هم دارد، ۲ هزار و ۵۰۰ تومان دستمزد می‌گیرند که نتیجه‌اش می‌شود، همین دست‌های کوچک پینه بسته.

سعید در حدود ۲۰۰ کیلومتری شهر اصفهان زندگی می‌کند. او هم مثل همه بچه‌ها درس می‌خواند و باید امسال سوم مهر به مدرسه برود، اما او تابستانی برای خوش‌گذرانی و استراحت نداشته. این را دست‌های کوچکش می‌گویند که آن‌ها را درست مقابل عکاس گرفته است و پاهایش کوچکش که خسته و خاک گرفته‌اند، از قدم زدن روی خشت‌های داغ، زیر آفتاب تابستان. او زیر همین آفتاب داغ این لباس گرم زمستانی را پوشیده است، شاید برای اینکه لباس دیگری ندارد. محل استراحتش روی همین آجرهای خشن است که با آنها عکس گرفته است. نگاهش هم واقعا همین قدر نافذ و عمیق است و همین قدر جدی.

گروه عکاسی که به کوره رفته‌اند، دلشان می‌خواهد به سعید و دوستانش در کار کمک کنند. دست بکار هم می‌شوند، اما پس از جا بجا کردن حدود ۶۰ آجر خسته می‌شوند و کار را رها می‌کنند، اما سعید باید همچنان آجرها را نان کند.

«سعید» در کلاس انشای مهرماه امسالش از تابستانی خواهد نوشت که در کوره‌های داغ آجری گذشت. از روزهایی که هزار آجر سنگین را با دستان کوچکش جا به جا کرد، فقط برای ۲ هزار و ۵۰۰ تومان!

این عکس مردادماه سال ۹۵ توسط مهدی ناظری (عکاس آزاد) در یکی از کوره‌های آجری اطراف شهر اصفهان ثبت شده است. سهیلا صدیقی

دولت آلمان لایحه برابری دستمزد زنان و مردان را تصویب کرد!

پس از سال‌ها اختلاف و بحث‌های مداوم سرانجام احزاب حاکم در آلمان توافق کردند که زنان و مردان برای کار یکسان از دستمزد یکسان برخوردار شوند. این مصوبه به‌رغم محدودیت‌هایش مورد حمایت اتحادیه‌های کارگری نیز قرار گرفته است.



احزاب حاکم در دولت ائتلافی آلمان سرانجام در روز پنج‌شنبه (۶ اکتبر/۱۵ مهر) لایحه برابری دستمزد زنان و مردان را تصویب کردند. بنا به این مصوبه از این پس تمام شرکت‌هایی که بیش از ۵۰۰ شاغل دارند موظف‌اند که به زنان و مردان برای کار یکسان دستمزد و حقوق یکسان بپردازند.

در مورد شرکت‌هایی با بیش از ۲۰۰ کارمند این مصوبه پس از در نظر گرفتن تعرفه‌های حقوقی موجود و مشاوره با شورای کارکنان می‌تواند اجرایی شود.

زیمونه پتر، رهبر حزب سبزهای آلمان، این مصوبه را برای برقراری برابری کامل دستمزد میان زنان و مردان "ناکافی" خواند.

گامی مهم در راستای برقراری "عدالت"

توماس اوپرمان، رئیس فراکسیون حزب سوسیال دمکرات، ضمن دفاع از مصوبه دولت تصریح کرد که این تصمیم سبب بهبود دستمزد دستکم ۱۴ میلیون زن در آلمان می‌شود. اوپرمان مصوبه دولت را "گامی بزرگ" در راه رسیدن به برابری کامل میان زنان و مردان در آلمان دانست.

به گفته رئیس فراکسیون حزب سوسیال دمکرات، زنان در آلمان به‌طور متوسط ۲۱ درصد دستمزد کمتری از مردان برای شغل یکسان دریافت می‌کنند.

مانوئلا شویزیگ، وزیر خانواده از حزب سوسیال دمکرات آلمان، ضمن دفاع از تصمیم دولت تصریح کرد که حتی پس از اجرایی شدن این مصوبه و نادیده گرفتن ایرادهای ساختاری هنوز زنان در مقایسه با مردان به‌طور "واقعی" ۷ درصد مزد کمتری دریافت می‌کنند.

به گفته وزیر خانواده آلمان این مصوبه دستاوردی مهم در راستای تحقق برابری کامل میان مردان و زنان است. خانم شویزیگ گفت از این پس زنان به لحاظ قانونی در موقعیتی قرار می‌گیرند که به آنها اجازه می‌دهد از کارفرمایان دستمزد بیشتری طلب کنند.

اتحادیه‌های کارگری آلمان نیز از این مصوبه پشتیبانی کرده و آن را "گامی مهم در برقراری عدالت" میان زنان و مردان و "شفافیت" در زمینه پرداخت حقوق و مزایای کارکنان در آلمان خوانده‌اند.



بر حذر باشید که مبادا نادان ها
دنیا را در سیطره قدرت خود بگیرند و
دانایی جُرم تلقی شود!

*وقتی مدیر یک NGO را از مجلس بیرون کردند!

این داستان تلاش های خانم سلیمی رئیس مرکز توانبخشی زنان آسیب دیده و تن فروش است که تنها و فقط با ۴ پرسنل آن را اداره می کند؛ خانم سلیمی با بغض اما چشمانی امیدوار از روزی صحبت کرد که از جلسه کمیسیون اجتماعی مجلس (موضوع جلسه بررسی آسیب های اجتماعی بود) بیرونش کردند؛ هر چند علیرضا محبوب بعد ها برای دلجویی آمد، اما او آن روز را فراموش نمی کند که برای ارایه آمارهایی از زنان آسیب دیده پایتخت (تن فروش و معتاد و ...) و برای کمک خواستن از وکلای ملت به پیشنهاد یکی از نماینده های تهران به آن جلسه رفت اما یکی از نمایندگان زن آمارهای او را کذب دانست و با صدای بلند گفت: «این خانم دارد اشاعه فحشا می کند، زن آسیب پذیر چیست؟ بیرونش کنید!»

خانم سلیمی می گوید: برخی از دختران نمی دانند تن فروش هستند، این درحالی است که روزانه ممکن است با ۴ مرد در ارتباط باشند، جالب است بدانید که بیشتر آن ها افراد زیر ۳۰ سال و باسواد هستند، ۳۰ درصد زنان تن فروش دیپلم و بالاتر، ۵۰ درصد سیکل و زیر دیپلم و درصد کوچکی از آن ها بی سواد هستند. ما به این تن فروشی خاموش می گوئیم.

*۳۵ درصد تن فروشان متاهل هستند!

سلیمی متخصص مامایی و کارشناس ارشد روانشناسی؛ و مدیر جمعیت آفتاب می گوید: بخشی از دختران و زنان تن فروش، افراد معتقدی هستند که صیغه می کنند، اما تعریف درستی از این چارچوب عقیدتی ندارند و عده ننگه نمی دارند، دختران طرد شده از خانواده در قالب خانواده های مذهبی و معتقدی که پس از تن فروشی روی بازگشت به خانه را ندارند. حدود ۲ درصد از تن فروشان دختر و ۳۵ درصد آن ها متاهل هستند؛ بسیاری از این زنان تن فروش از ارتباط های خود باردار می شوند که فرزندان خود را یا می فروشند یا به سازمان های حمایتی می سپارند و یا سقط می کنند. فرزندان بسیاری از آن ها

شناسنامه ندارند؛ رها شده و به عنوان واسطه مواد مخدر از آن ها استفاده می کنند.

بخشی دیگر از زنان تن فروش (حدود یک سوم) در دوران بچگی مورد تعرض محارم قرار گرفته و از آن ها باردار شده اند. حتا مواردی از زنان تن فروش هم جنسگرا وجود داشته که بیشتر آن ها سابقه زندان دارند و قابل شناسایی هستند. تاسف بارتر اینکه تن فروشی در دختران ۱۶ ساله دیده می شود که خانواده دار و با سواد هستند

از دولت و مجلس می خوام اجازه دهند حرف بزنیم!

خانم سلیمی متخصص مامایی و کارشناس ارشد روانشناسی؛ مدیر جمعیت آفتاب می گوید: پیشنهاد ما تغییر مکان مرکز به یکی از مناطق شمال تهران بود اما دانشگاه تهران اعلام کرد این مکان را مقرر فرمادهی کنید و بیماران مرکز را از بالاشهر های پایتخت به مقر ارجاع دهید. از خانم سلیمی سوال کردیم که چه درخواستی از دولت یا مجلس دارند؟ چه امکاناتی نیاز دارند؟ که در جواب گفت: بیشتر از اینکه تقاضای دفتر و نیرو کنم زبان باز می خواهم، من می خواهم حرف بزنم، گزارش کارهایی که در طی ۸ سال انجام دادم را ارائه کنم اما دریغ! نمی گذارند حرف بزنم، من تا زمانی که از عملکردم گزارش ندهم متوجه درستی یا نقص کارم نمی شوم. من می خواهم اجازه دهند درباره مسئله ارتباط جنسی در دبیرستان های پسرانه و دخترانه صحبت کنم، چرا که بیشترین همسان های موفق ما زنان تن فروش را از دوستان دوره مدرسه پیدا می کنند؛ به وضوح مشخص است که این زنان تن فروش در دوران مدرسه، قبل از ازدواج، تن فروشی به معنای رابطه جنسی داشتند؛ شاید ندانید که این ارتباط ها در دوران مدرسه با راننده سرویس مدارس، شوهر همسایه، همکار مادر و یا پدر بوده است.

«کودک کار، اعتیاد، کارتن خوابی، تن فروشی، فقر، بیکاری و فساد از مشکلات سیستم سرمایه داری حاکم بر ماست. برای رفع این مشکلات به سندیکاهای کارگری بپیوندید»

قاچاق زنان، دومین تجارت سازمان‌یافته میلیارد دلاری در ایران، بعد از قاچاق موادمخدر است!

بخش‌هایی از حکومت در این تجارت میلیاردی نقش دارند

رئیس گروه جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی و سخنگوی اسبق قوه قضاییه با ابراز تأسف نسبت به اینکه امروز قاچاق زنان یک تجارت میلیارد دلاری شده احتمال داده قاچاق زنان دومین جرم سازمان‌یافته بعد از قاچاق مواد مخدر در ایران باشد. مهمترین بخش اظهارات این کارشناس در رابطه با قاچاق سازمان‌یافته زنان و مشارکت بخش‌های دولتی در آن است. به گفته او: «امروز قاچاق زنان تبدیل به تجارت میلیارد دلاری شده و درآمد زیادی دارد که گاهی زنان از موضوع بی‌خبرند و به وعده‌های مختلف و عدم آگاهی به دام این قاچاقچیان می‌افتند. البته قانون مبارزه با قاچاق انسان تصویب شد و شروع به عمل معاونت و انجام این عمل خود جرم‌انگاری شد و حتی برای کارکنان دولت که به این امر کمک کنند مجازات‌هایی در نظر گرفته شد. همچنین خشونت علیه زنان در حوزه منازعات مسلحانه بسیار مهم است. تجاوز جنسی در جنگ‌ها قطعاً جنایت جنگی است که بالاتر از جنایت جنگی هم می‌توان از آن به عنوان نسل‌کشی یاد کرد»

قاچاق زنان در ایران همواره یکی از آسیب‌های اجتماعی بوده و در دوره‌های مختلف درباره آن بحث و نظرهای زیادی مطرح شده، اما بیان سازمان‌یافتگی آن و حتماً مشارکت بخش‌هایی از نهادهای رسمی و حکومتی در قاچاق زنان آن هم از تریبون‌های رسمی بی‌سابقه بوده است. آذرماه سال ۱۳۹۲ رئیس پلیس مهاجرت و گذرنامه نیروی انتظامی درباره پدیده قاچاق دختران ایرانی به کشورهای عربی گفته بود این موضوع را نفی نمی‌کنیم، اما عدد آن قابل توجه نیست. امارات، قطر، بحرین، کویت، ترکیه، ازبکستان و آذربایجان و اخیراً ارمنستان از جمله کشورهایایی هستند که زنان و دختران ایرانی به آنها قاچاق می‌شوند که عموماً به عنوان کارگران سکسی مورد داد و ستد قرار می‌گیرند و بخشی از آنها جذب دیسکو، بارها و هتل‌ها جهت کارگری یا ماساژ می‌شوند.

**خانواده‌ی که در اهواز روزی خود را در میان زباله‌ها می‌جویند!!!
این سرنوشت دردناک مردمی است که در چنگال سرمایه‌داری
اسیر هستند.**



جالب اینه که غذای نذری با کارگر شهرداری میخوره، زمین های تهران رو با همپالکی هایش بالا میکشه

